هواس بیگی ف. و همکاران
اردیبهشت ۱۴۰۶
اقتصاد و برنامه ریزی شهری
دوره ۸، شماره ۲

چارچوب تحلیلی و راهبردهای توسعهٔ اقتصادی مناطق مرزی (مورد مطالعه: استان ایلام)*

فاطمه هواس بیگی[۱]؛ کیومرث شهبازی[۲]؛ سیدجمال‌الدین محسنی زنوزی[۳]؛ حشمت‌اله عسگری[۴]**

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد شهری و منطقه‌ای، دانشکدهٔ اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، آذربایجان غربی، ایران
۲. استاد گروه اقتصاد، دانشکدهٔ اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، آذربایجان غربی، ایران
۳. دانشیار گروه اقتصاد، دانشکدهٔ اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، آذربایجان غربی، ایران
۴. استاد گروه اقتصاد، پژوهشکدهٔ اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۱۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۷/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۷/۱۳

چکیده

توسعهٔ اقتصادی مناطق مرزی به دلیل هم‌زمانی ظرفیت‌های سرزمینی، جریان‌های فرامرزی و محدودیت‌های نهادی و زیرساختی، فرایندی پیچیده و چندسطحی است. در این مناطق، مجاورت با مرز لزوماً به توسعهٔ اقتصادی منجر نمی‌شود و چگونگی پیوند ظرفیت‌های محلی با شبکه‌های داخلی و فرامرزی و ظرفیت حکمرانی در تحقق منافع مرزی اهمیت دارد. استان ایلام با برخورداری از مرز مشترک با عراق و قرارگیری محور ایلام ـ مهران ـ دهلران در پیوندهای اقتصادی و ارتباطی ایران و عراق، نمونه‌ای قابل توجه برای بررسی این مسئله است. پژوهش حاضر با هدف ارائهٔ یک چارچوب تحلیلی چندمقیاسی و رابطه‌ای برای توسعهٔ اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام انجام شد. عوامل مرتبط با توسعهٔ اقتصادی با استفاده از مطالعات نظری، اسناد مرتبط و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان استخراج و پس از پالایش در فرایند دلفی، بر اساس دیدگاه و اجماع خبرگان، در قالب چهار مؤلفهٔ قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها شناسایی و طبقه‌بندی شدند. یافته‌ها نشان داد توسعهٔ اقتصادی منطقه حاصل تعامل میان ظرفیت‌ها و محدودیت‌های داخلی، جایگاه منطقه در شبکه‌های داخلی و فرامرزی، ظرفیت ارتباط با اقتصاد عراق و توان نهادی و حکمرانی است. همچنین، نتایج ارزیابی عوامل داخلی و خارجی نشان داد در شرایط مورد مطالعه، جهت‌گیری WO نقطهٔ شروع مناسب‌تری برای مداخله است، بدون آنکه سایر جهت‌گیری‌های راهبردی منتفی شوند. بر این‌اساس، چارچوب پیشنهادی بر تقویت حکمرانی، کاهش محدودیت‌های داخلی، ارتقای اتصال، تعمیق زنجیره‌های ارزش و افزایش ظرفیت جذب منافع جریان‌های فرامرزی تأکید دارد.

کلمات کلیدی

استان ایلام
تحلیل SWOT
توسعهٔ اقتصادی
راهبردهای محافظه‌کارانه
مدیریت یکپارچهٔ مرزی
مناطق مرزی

* مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری نویسندهٔ اول است.

** نویسندهٔ مسئول: k.shahbazi@urmia.ac.ir

COPYRIGHTS
©2027 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Havasbeigi F. Shahbazi K. Mohseni Zenozi S.J. Asgari H. Analytical framework and strategies for economic development in border regions (Case study: Ilam Province). *Urban Economics and Planning* 8(2):138-159.

DOI: 10.22034/uep.2026.589092.1940

۱. مقدمه

مناطـق مـرزی در نگاه سـنتی غالباً به صـورت حاشـیه‌های دور از مرکز، خطـوط دفاعـی یـا قلمروهایی بـا محدودیت‌هـای امنیتـی در نظر گرفته شـده‌اند؛ امـا در ادبیـات جدیـد، مـرز فقـط خطـی بـرای جداسـازی دو حاکمیـت نیسـت، بلکـه نهـادی فضایـی اسـت کـه بـه طـور هم‌زمـان جریـان کالا، سـرمایه، نیـروی کار، اطلاعـات و خدمـات را محـدود، گزینـش یـا تسـهیل می‌کنـد. از ایـن منظـر، منطقـهٔ مـرزی فضایـی رابطـه‌ای اسـت کـه وضعیـت اقتصـادی آن نـه فقـط از فاصلـه بـا مرکـز ملـی، بلکـه از نـوع مـرز، میـزان نفوذپذیـری آن، تفاوت‌هـای اقتصادی و نهـادی دو سـوی مـرز، کیفیت اتصـال به شـبکه‌های داخلـی و فرامرزی و ظرفیـت حکمرانی چندسـطحی تأثیر می‌پذیـرد (Taubenböck et al, 2023). بررسـی جهانـی مناطـق مـرزی نیـز نشـان می‌دهد ایـن مناطق از نظـر درجـهٔ بـاز بودن مـرز، نابرابری اقتصادی و سیاسـی دو سـوی آن و پویایـی جمعیـت و سـکونتگاه‌ها بسـیار ناهمگن‌اند؛ بنابرایـن نمی‌توان همـهٔ آن‌هـا را بـا یـک الگـوی ثابـتِ «مرکـز ـ پیرامـون» و بـا فـرض محرومیـت مناطـق پیرامونـی تبییـن کـرد (Anderson and O'Dowd, 1999; Paul et al, 2026; Taubenbock et al, 2023).

بـا وجـود ناهمگنـی مناطق مرزی، توسـعهٔ اقتصادی آن‌ها بـا مجموعه‌ای از ویژگی‌هـای سـاختاری مشـترک مواجـه اسـت. مـرز با ایجاد گسسـت در بـازار، مقـررات، مالیـات، رویه‌هـای گمرکـی و زیرسـاخت‌ها، هزینـهٔ مبادلـه را افزایـش می‌دهـد و حـوزهٔ بـازار بنگاه‌هـای محلـی را محـدود می‌کنـد. دوری از کانون‌هـای سـرمایه و خدمـات تخصصـی نیـز آثـار تجمعـی مرکـز ـ پیرامـون را تشـدید می‌کنـد و مهاجرت نیروی انسـانی ماهـر را در پـی دارد. تفـاوت قیمت‌هـا، دسـتمزدها، تقاضـا و مقررات در دو سـوی مرز، در صورت وجود زیرسـاخت و نهادهای مناسـب، می‌تواند بـه مزیـت تبدیـل شـود و تجـارت، گردشـگری، خدمـات و زنجیره‌هـای ارزش فرامـرزی را تحریـک کنـد. اقتصادهـای مرزی همچنین نسـبت به بسـته شـدن گذرگاه‌هـا، تنش‌هـای سیاسـی، بحران‌هـای امنیتـی و اختلال‌هـای تجـاری حسـاس‌تر هسـتند و همیـن امـر ضـرورت تنوع‌بخشـی و سـازوکارهای تـاب‌آوری را برجسـته می‌کنـد (Hippe et al, 2024; OECD, 2024; Sohn, 2014). بـر این‌اسـاس، توسـعهٔ اقتصـادی را نمی‌تـوان به فهرسـت ظرفیت‌هـای بالفعل‌نشـده تقلیل داد؛ بلکـه بایـد سـازوکار تبدیـل ظرفیت‌هـای سـرزمینی بـه اشـتغال پایدار، بهـره‌وری و سـرمایه‌گذاری خصوصـی را توضیـح داد. ادبیـات سیاسـت‌گذاری مکان‌محـور نیـز بـر همیـن تمایـز تأکیـد دارد و توسـعهٔ پایـدار را وابسـته بـه شـناخت دارایی‌هـای محلـی، شکسـت‌های بـازار، موانـع نهـادی و هماهنگـی میـان سـطوح حکومـت می‌دانـد (OECD, 2025).

در ایـران، تمرکـز تاریخـی فعالیت‌ها و زیرسـاخت‌ها در مناطـق مرکزی، در کنـار برخـی رویکردهـای امنیت‌محـور در مدیریـت مـرز، از عوامـل مؤثـر بـر تـداوم تفاوت‌هـای توسـعه‌ای میان اسـتان‌های مـرزی و نواحی مرکـزی بـوده اسـت. ارزیابـی تطبیقی نشـان می‌دهد موانع توسـعه فقط اقتصـادی نیسـتند، بلکـه بـا ضعـف زیرسـاخت‌ها، نابرابری دسترسـی به خدمـات، ظرفیـت محـدود نهـادی و تمرکـز تصمیم‌گیری ارتبـاط دارند (Mousavi et al., 2024). مطالعـات داخلـی نیـز نشـان داده‌انـد بازارچهٔ مـرزی، گـذرگاه رسـمی یـا منابـع طبیعی تنهـا زمانی آثـار پایـدار دارند کـه بـا پیوندهـای تولیـدی محلـی، نظـام مالـی و زیرسـاخت حمل‌ونقل همراه شـوند (Badri et al; 2018; Ghadimi et al,2023; Mirzaee et al, 2023).

اسـتان ایـلام نمونـه‌ای مناسـب بـرای مطالعـهٔ ایـن مسـئله اسـت؛ زیـرا موقعیـت مـرزی آن مجموعـه‌ای از فرصت‌هـا و محدودیت‌هـا را هم‌زمان ایجـاد کـرده اسـت. این اسـتان در غرب کشـور قـرار دارد و حـدود ۴۲۵ کیلومتـر مـرز مشـترک با عـراق دارد. مـرز بین‌المللی مهـران، پیوندهای فرهنگـی بـا عـراق، جریان‌هـای تجـاری و گردشـگری مذهبـی، منابـع نفـت و گاز و اراضـی کشـاورزی از مهم‌تریـن دارایی‌هـا هسـتند. در مقابـل، ضعـف شـبکه‌های حمل‌ونقل، کمبـود سـرمایه‌گذاری خصوصی، بیـکاری، مهاجرت نیروی انسـانی و حساسـیت به تحولات عـراق، تبدیل ایـن دارایی‌ها به توسـعهٔ پایدار را دشـوار کرده اسـت (Amanpour and Mohammadi, 2021; Piri, 2020; Omidi, 2022; Mohammadpanahi et al, 2023; Yeganeh et al, 2023).

قلمـرو عملیاتـی مطالعـه، شـبکهٔ عملکـردی ایـلام ـ مهـران ـ دهلـران اسـت. مهـران و دهلـران کانون‌هـای اصلـی تماس بـا عراق‌انـد و ایلام به عنـوان مرکـز اداری و خدماتـی، حلقـهٔ اتصـال ایـن کانون‌هـا بـه شـبکهٔ ملـی محسـوب می‌شـود. بنابرایـن، ایـلام در ایـن تعریـف نه یک «شـهر مـرزیِ بلافصـل»، بلکه جـزء داخلی و سـازمان‌دهندهٔ یـک منطقهٔ مرزی عملکـردی اسـت. ایـن تعریف با سـند آمایش اسـتان نیز سـازگار اسـت کـه محورهـای ایـلام ـ مهـران و ایـلام ـ دهلـران را در ارتبـاط بـا شـبکه‌های توسـعه و تعامـلات اقتصـادی بـا عراق مـورد توجه قـرار داده اسـت (Supreme Council of Land Planning, 2020; Statistical Yearbook of Ilam Province, 2023).

اهمیـت ایـن تعریف در آن اسـت که توسـعهٔ مـرزی فقـط در نقطهٔ عبور یـا محـدودهٔ گمـرک رخ نمی‌دهـد. اگر جریـان کالا و مسـافر از مرز عبور کنـد، امـا خدمـات مالـی، گردشـگری و سـرمایه‌گذاری در شـبکهٔ محلی تثبیـت نشـود، منطقه سـهم اندکـی از ارزش ایجادشـده خواهد داشـت. به‌عکـس، پیونـد میـان گذرگاه‌هـا و ظرفیت‌هـای تولیـدی شهرسـتان‌ها و خدمـات تخصصـی شـهر ایـلام می‌توانـد اقتصاد عبـوری را بـه اقتصاد شـبکه‌ای و ارزش‌آفریـن تبدیـل کنـد. اسـناد آمایـش اسـتان نیـز بـه منطقـهٔ آزاد مهـران، پـارک لجسـتیک، بنـدر خشـک دهلـران و اتصـال ریلـی اشـاره کرده‌انـد؛ بـا این‌حـال، میـزان تحقـق ایـن جهت‌گیری‌ها و ظرفیـت اجرایـی لازم بـرای تبدیـل آن‌هـا بـه دسـتاوردهای اقتصـادی همچنـان نیازمنـد بررسـی اسـت (Supreme Council of Land Planning, 2020).

مـرور مطالعـات مرتبـط بـا ایـلام نشـان می‌دهـد پژوهش‌هـای پیشـین ابعـاد مهمـی ماننـد نابرابـری فضایـی، موقعیـت راهبـردی مـرز و پیشـران‌های توسـعهٔ منطقـه‌ای را بررسـی کرده‌انـد (Amanpour and Mohammadi, 2021; Piri, 2020; Darabi and Fani,2021; Omidi, 2022; Mohammadpanahi et al, 2023; Yeganeh et al, 2023) بـا این‌حـال، سـه خـلأ همچنـان باقـی مانـده اسـت: فقـدان تمایـز تحلیلی میـان سـطوح مختلـف مـرز، عـدم پیونـد ویژگی‌هـای عـام اقتصادهـای مـرزی بـا وضعیت خاص ایـلام و محدودیـت در تبیین روابـط علّی میان سـاختار فضایـی، ظرفیـت نهـادی و پیامدهـای اقتصـادی. در چنیـن بسـتری، پرسـش‌هایی مطـرح می‌شـود: مهم‌تریـن عوامـل داخلـی و خارجـی مؤثـر بر توسـعهٔ اقتصـادی مناطق مرزی اسـتان ایلام بر اسـاس دیـدگاه و اجمـاع خبـرگان، در قالـب قوت‌هـا، ضعف‌هـا، فرصت‌هـا و تهدیدهـا چیسـت؟ بر اسـاس ارزیابی عوامـل داخلی و خارجـی موقعیت راهبـردی توسـعهٔ اقتصادی محـور ایلام ـ مهـران ـ دهلـران چگونه قابل تبییـن اسـت؟ و با توجه بـه این عوامـل، چه چارچوبی بـرای جهت‌دهی به توسـعهٔ اقتصادی این محور قابل صورت‌بندی است؟

در پاسـخ بـه خلأهـای یادشـده، پژوهـش حاضـر بـا اتخـاذ رویکـردی زمینه‌محـور و تلفیقـی، سـه مسـیر مکمـل را دنبـال می‌کنـد. نخسـت، بـرای پاسـخ بـه خـلأ مربـوط بـه فقـدان تمایـز تحلیلـی میـان سـطوح مختلـف مـرز، تمرکـز پژوهـش بـر محـور مشـخص ایـلام ـ مهـران ـ

دهلـران قـرار گرفتـه اسـت تـا ویژگی‌هـای فضایـی، اقتصـادی، تجاری، زیرسـاختی و نهـادی ایـن محـور به صـورت مسـتقل از گزاره‌هـای کلی دربـارۀ اقتصادهـای مـرزی مـورد بررسـی قـرار گیـرد. دوم، در پاسـخ به محدودیـت مربـوط بـه تعمیـم ویژگی‌هـای عـام اقتصادهـای مـرزی بـه شـرایط خـاص ایـلام، عوامـل مؤثـر بـر توسـعۀ اقتصـادی نه بـه صورت پیشـینی، بلکـه از طریـق تحلیـل مضمـون داده‌هـای کیفـی و سـپس پالایـش و اعتبارسـنجی آن‌هـا در فراینـد دلفـی و بـر اسـاس اجمـاع خبـرگان آشـنا بـا منطقـه شناسـایی شـده‌اند؛ بـه این‌ترتیـب، عوامـل نهایی‌شـده از شـرایط واقعـی و ویژگی‌هـای خـاص منطقه مـورد مطالعه برآمده‌انـد. سـوم، بـا توجـه بـه محدودیـت مطالعـات پیشـین در تبیین ارتبـاط میـان سـاختار فضایـی، ظرفیـت نهـادی و پیامدهـای اقتصادی، پژوهـش حاضـر بـه جـای ادعـای آزمـون روابـط علّـی، ایـن ابعـاد را در قالـب راهبـردی یکپارچـه بـه یکدیگـر پیونـد می‌دهـد و از طریـق طبقه‌بنـدی عوامـل در چارچـوب SWOT و ارزیابـی کمـی آن‌هـا در ماتریس‌هـای IFE و EFE، امـکان سـنجش هم‌زمـان ظرفیت‌هـا و محدودیت‌هـای داخلـی و فرصت‌هـا و تهدیدهـای محیطـی را فراهـم می‌کنـد. در ادامـه، ایـن ارزیابی مبنـای صورت‌بندی چارچـوب راهبردی توسعۀ اقتصادی محور ایلام ـ مهران ـ دهلران قرار می‌گیرد.

بـر این‌اسـاس، پژوهـش حاضـر بـا تمرکـز بـر محـور عملکـردی ایـلام ـ مهـران ـ دهلـران، بـا هـدف صورت‌بنـدی یـک چارچـوب تحلیلـی زمینه‌محـور بـرای تبییـن مسـیرهای توسـعۀ اقتصـادی مناطـق مـرزی اسـتان ایـلام انجـام شـده اسـت. ایـن چارچـوب، توسـعۀ اقتصـادی را حاصـل تعامـل میـان دارایی‌هـا و محدودیت‌هـای سـرزمینی، جایـگاه منطقـه در شـبکه‌های داخلـی و فرامـرزی، پیوندهـای اقتصـادی با عراق و ظرفیت‌هـای نهـادی و حکمرانـی می‌دانـد و مـرز را بـه طـور هم‌زمـان بـه عنـوان محدودیت و ظرفیت توسـعه در نظر می‌گیـرد. این چارچوب، عوامـل شناسایی‌شـده را در قالـب یـک نظـام راهبـردی منسـجم سـازماندهی می‌کنـد تـا سـازوکار فعـال شـدن ظرفیت‌هـای مـرزی و تقویـت ظرفیت‌هـای نهـادی و تـاب‌آوری منطقـه تبییـن شـود. تمرکـز پژوهـش نـه بـر ارائـۀ مجموعـه‌ای ثابـت از راهبردهـای اجرایـی، بلکه بر ایجـاد چارچوبی اسـت که ضمـن بازتـاب ویژگی‌های سـرزمینی، نهادی و ژئوپلیتیکـی محـور مـورد مطالعـه، بتوانـد مبنایـی بـرای تحلیـل و بازتنظیـم سیاسـت‌های توسـعه در سـایر مناطـق مـرزی متناسـب بـا شرایط خاص آن‌ها فراهم آورد.

۲. مبانی نظری

توسـعۀ اقتصـادی مناطـق مـرزی پدیـده‌ای چندبعـدی و پیچیده اسـت کـه نمی‌تـوان آن را فقـط بـا تکیـه بـر مجـاورت جغرافیایـی یا فهرسـت ظرفیت‌هـای محلـی تبییـن کرد. مـرز در ادبیات جدید نهـادی فضایی و رابطـه‌ای اسـت که جریان‌هـای اقتصادی و اجتماعـی را محدود، گزینش یـا تسـهیل می‌کنـد و آثـار آن بـه میـزان نفوذپذیـری، کیفیـت اتصال و ظرفیـت حکمرانـی وابسـته اسـت. بر این‌اسـاس، فهـم توسـعۀ اقتصادی محـور ایـلام ـ مهران ـ دهلران مسـتلزم حرکت از نگاه‌های تک‌مقیاسـی و توصیفـی بـه سـوی چارچوبـی اسـت کـه سـطوح مختلـف فضایـی (از خـط بین‌المللـی تا کانون‌هـای تماس مسـتقیم، کانون پشـتیبان داخلی و مقیـاس اسـتان) و سـازوکارهای عمومی اقتصادهای مـرزی را هم‌زمان در نظـر بگیـرد. در ادامـه، مبانـی نظـری در شـش بخـش تنظیـم شـده اسـت کـه از تعریـف چندمقیاسـی و عملکـردی منطقـۀ مـرزی آغـاز می‌شـود و سـپس بـه وجـوه سـاختاری توسـعۀ اقتصـادی، رهیافت‌های نظـری مکمـل، ویژگی‌هـای خـاص محـور ایـلام ـ مهـران ـ دهلـران، ارتبـاط میـان وجـوه عمومـی و شـرایط خـاص منطقـه و در نهایـت چارچـوب تحلیلـی پژوهـش می‌پـردازد. ایـن بخش‌هـا در پیونـد بـا یکدیگـر، زمینـۀ مفهومـی لازم برای شناسـایی عوامل داخلـی و خارجی، تفسـیر یافته‌هـای SWOT و صورت‌بنـدی چارچـوب پیشـنهادی توسـعۀ اقتصادی منطقه را فراهم می‌آورند.

۲.۱. منطقۀ مرزی به‌مثابه قلمروی چندمقیاسی و عملکردی

تمایـز میـان مـرز، نوار مرزی، شـهر یـا شهرسـتان مرزی، منطقـه مرزی عملکـردی و اسـتان مـرزی بـرای تدویـن مبانـی نظـری ضروری اسـت. مـرز بین‌المللـی خـط اعمال حاکمیت اسـت؛ نـوار مرزی قلمـرو بلافصل مجـاور آن بـا محدودیت‌هـای امنیتـی یـا زیسـت‌محیطی؛ شـهر یـا شهرسـتان مـرزی واحدی اسـت که تماس مسـتقیم با مـرز دارد؛ منطقۀ مـرزی عملکـردی مجموعـه‌ای از سـکونتگاه‌ها، زیرسـاخت‌ها، بنگاه‌هـا و جریان‌هایـی اسـت کـه معیشـت آن‌هـا بـه طـور معنـادار از مـرز اثـر می‌پذیـرد؛ و اسـتان مرزی مقیاس سیاسـت‌گذاری وسـیع‌تری اسـت که شـدت مـرزی بـودن در آن یکسـان نیسـت. بنابراین، مجاورت هندسـی شـرط لازم اسـت، امـا بـرای تعریـف منطقـۀ اقتصـادی مـرزی کافـی نیست.

در تعریـف عملکـردی، مـرز از یـک خـط ثابـت بـه شـبکه‌ای از روابـط تبدیـل می‌شـود؛ ممکـن اسـت ثبـت کالا در مهـران، خدمـات مالـی در ایـلام، تولیـد در دهلـران و بـازار نهایـی در عراق یـا اسـتان‌های مرکزی باشـد. تحلیـل توسـعۀ اقتصـادی بایـد ایـن زنجیـره و مقیاس‌هـای درهم‌تنیـده را ببینـد. ادبیـات جدید نیـز مناطق مـرزی را «رابط» میان نظام‌هـای اقتصـادی و نهـادی می‌دانـد و شـدت مـرزی بـودن را نه فقط بـا فاصلـۀ خطـی، بلکه بـا الگـوی رفت‌وآمد، تجـارت، تفاوت‌هـای نهادی و ترتیبـات حکمرانـی می‌سـنجد (Wong Villanueva et al, 2022؛ OECD, 2024؛ Paul et al, 2026).

در پژوهـش حاضـر، ایـن تمایـز بـه تعریـف پنـج سـطح فضایـی منجـر می‌شود:

جدول ۱. تمایز سطوح فضایی

سطح فضایی	تعریف و نقش	جایگاه در پژوهش
خط بین‌المللی ایران و عراق	حد حقوقی حاکمیت و محل تنظیم عبور	بستر ژئوپلیتیکی و نهادی
نوار بلافصل مرز	قلمرو دارای محدودیت‌های امنیتی، محیطی و استقرار	زمینۀ اثرگذار، نه واحد مستقل تحلیل
کانون‌های تماس مستقیم	مهران و دهلران و گذرگاه‌ها و فعالیت‌های وابسته	هستۀ اصلی اقتصاد مرزی
کانون داخلی پشتیبان	ایلام به عنوان مرکز اداری و خدمات برتر	حلقۀ سازمان‌دهنده و اتصال به شبکۀ ملی
استان ایلام	مقیاس آمایش، تخصیص منابع و هماهنگی بین‌بخشی	محیط سیاستی و نهادی کلان

منبع: یافته‌های تحقیق

این تعریف، رفت‌وبرگشت مبهم میان «ایلام» و «مناطق مرزی ایلام» را برطرف می‌کند. هرگاه در ادامه از «منطقهٔ مورد مطالعه» سخن گفته می‌شود، منظور شبکهٔ عملکردی ایلام ـ مهران ـ دهلران است؛ هرگاه از «استان» سخن می‌رود، مقیاس سیاست‌گذاری و زمینهٔ ساختاری مورد نظر است؛ و هرگاه «کانون مرزی» به‌کار می‌رود، مهران و دهلران و قلمروهای وابسته به تماس مستقیم با عراق مد نظر قرار دارند.

۲.۲. منطق عمومی یا وجوه ساختاری توسعهٔ اقتصادی مناطق مرزی

وجوه عمومی مناطق مرزی قوانین قطعی نیستند، بلکه سازوکارهایی تکرارشونده‌اند که اثر آن‌ها با نوع مرز و شرایط هر منطقه تغییر می‌کند. شش سازوکار در تحلیل توسعهٔ اقتصادی اهمیت بنیادی دارند:

نخست، «اثر مرز» است. تفاوت نظام‌های حقوقی، پولی، مالیاتی، گمرکی و اداری پیوستگی بازار را قطع می‌کند و هزینه و عدم اطمینان مبادله را افزایش می‌دهد. حتی در مرزهای باز، تفاوت استانداردها، مجوزها و شبکهٔ حمل‌ونقل می‌تواند مانعی معادل فاصلهٔ جغرافیایی ایجاد کند. شدت این اثر به نفوذپذیری مرز، کیفیت گذرگاه، ثبات مقررات و هماهنگی نهادی وابسته است (Capello et al., 2018؛ Medeiros et al., 2021؛ Chirodea et al., 2024).

دوم، «پیرامونی شدن و اقتصاد تجمع» است. نظریهٔ مرکز ـ پیرامون و جغرافیای اقتصادی جدید توضیح می‌دهند که بنگاه‌ها و نیروی کار ماهر در مکان‌هایی با بازار بزرگ‌تر و پیوندهای قوی‌تر متمرکز می‌شوند. مناطق مرزی دور از مرکز، به‌ویژه با ضعف زیرساخت، ممکن است در چرخه‌ای از بازار کوچک، سرمایه‌گذاری اندک و مهاجرت گرفتار شوند (Pugh and Dubois, 2021؛Krugman, 1991). با این‌حال، پیرامونی بودن سرنوشت محتوم نیست و بهبود اتصال یا پیوند با بازار کشور همسایه می‌تواند مزیت مکانی را تغییر دهد.

سوم، «مرز به‌مثابه منبع» است. تفاوت قیمت، دستمزد، تقاضا، زبان، فرهنگ و مقررات می‌تواند فرصت تجارت، گردشگری، خدمات تخصصی و یادگیری ایجاد کند. سون (۲۰۲۴) نشان می‌دهد مرز زمانی منبع می‌شود که بازیگران محلی بتوانند از تفاوت‌ها بهره‌برداری کرده و شبکه‌های همکاری ایجاد کنند. این مزیت خودکار نیست و بدون زیرساخت، اعتماد، اطلاعات بازار و نهادهای تسهیل‌گر، تفاوت‌ها به قاچاق یا نوسان‌های کوتاه‌مدت منجر می‌شوند، نه سرمایه‌گذاری مولد.

چهارم، «وابستگی به شبکه و مقیاس» است. اقتصاد مرزی در خلأ عمل نمی‌کند و بنگاه‌ها به بازار، تأمین‌کننده، نیروی انسانی، تأمین مالی و خدمات عمومی در داخل کشور و گاه کشور همسایه وابسته‌اند. بنابراین، موفقیت یک کانون مرزی فقط با حجم عبور از گمرک سنجیده نمی‌شود، بلکه باید میزان ماندگاری ارزش در منطقه و پیوند تولید محلی با جریان تجارت بررسی شود. حمل‌ونقل، انبارداری، گمرک و خدمات مالی اجزای یک سامانه واحدند و سرمایه‌گذاری منفرد اثر محدودی دارد (Medeiros et al., 2021؛ OECD, 2024).

پنجم، «حکمرانی چندسطحی و فرامرزی» است. مسائل مناطق مرزی از صلاحیت یک سازمان فراتر می‌روند؛ گمرک، امنیت، حمل‌ونقل، محیط زیست، شهرداری، توسعهٔ صنعتی، گردشگری و تجارت خارجی هریک متولی جداگانه دارند و ناهماهنگی میان آن‌ها هزینهٔ مبادله را افزایش می‌دهد و اجرای راهبرد را دشوار می‌کند. حکمرانی مؤثر مستلزم معماری نهادی روشن، برنامهٔ مشترک، منابع پایدار، تقسیم مسئولیت، شاخص‌های پایش و مشارکت بخش خصوصی و جامعهٔ محلی است (Wong Villanueva et al., 2022؛ OECD, 2024).

ششم، «آسیب‌پذیری و تاب‌آوری» است. اقتصادی که به یک گذرگاه، یک بازار یا یک منبع طبیعی وابسته باشد، در برابر شوک‌ها شکننده است. تنوع‌بخشی افقی میان کشاورزی، صنعت، خدمات، گردشگری و لجستیک و تنوع‌بخشی عمودی از طریق فرآوری و تکمیل زنجیرهٔ ارزش، دو مسیر اصلی کاهش این شکنندگی‌اند. تاب‌آوری بعد نهادی نیز دارد: داده‌های بهنگام، برنامهٔ جایگزین، سازوکار هماهنگی بحران و امکان تعدیل سریع سیاست‌ها ظرفیت بازیابی را افزایش می‌دهد (Hippe et al., 2024).

۳.۲. رهیافت‌های نظری مکمل

مرکز- پیرامون و جغرافیای اقتصادی جدید

این رهیافت‌ها تمرکز خدمات و سرمایه در مرکز و محرومیت پیرامون را توضیح می‌دهند و برای ایلام، ضعف اتصال و فاصله از بازارهای بزرگ را برجسته می‌کنند، اما منطقهٔ مرزی فقط پیرامون مرکز ملی نیست و مجاورت با بازار عراق می‌تواند موقعیت اقتصادی را تغییر دهد. تمرکز فعالیت در گذرگاه نیز بدون پیوندهای پسین و پیشین و ظرفیت جذب، به توسعهٔ پایدار نمی‌انجامد. از این‌رو، تحلیل باید علاوه بر فاصله از مرکز، روابط دو سوی مرز و کیفیت نهادهای محلی را وارد کند (Krugman, 1991).

مرز به‌مثابه مانع، فیلتر و منبع

مرز می‌تواند مانع کامل، فیلتر گزینشی یا رابط فعال باشد و این کارکرد برای جریان‌های مختلف یکسان نیست؛ ممکن است عبور زائر تسهیل شود، اما تجارت بنگاه‌های کوچک با رویه‌های پیچیده مواجه باشد، یا مبادلهٔ رسمی رشد کند، ولی دسترسی جوامع محلی به منافع آن محدود بماند. از این‌رو، «باز بودن مرز» باید برای هر جریان و گروه اجتماعی جداگانه سنجیده شود مزیت مرزی زمانی پایدار است که مبادلات کوتاه‌مدت به سرمایه‌گذاری و تولید دارای ارزش افزوده تبدیل شود (Zhang et al., 2023 ؛Sohn, 2014).

توسعهٔ مکان‌محور، درون‌زا و سرمایه سرزمینی

رهیافت مکان‌محور واکنشی به سیاست‌های یکسان و بخشی است و توسعه را نتیجهٔ تجهیز دارایی‌های ملموس و ناملموس قلمرو از جمله منابع طبیعی، موقعیت، زیرساخت، مهارت، شبکه‌های اجتماعی، هویت محلی و کیفیت نهادها می‌داند. این رهیافت به معنای خودکفایی نیست، بلکه پیوند قابلیت‌های درونی با فرصت‌های بیرونی است. دسترسی ایلام به بازار عراق زمانی مزیت است که تولیدکنندهٔ محلی بتواند کیفیت، مقیاس، بسته‌بندی، تأمین مالی و لجستیک لازم را فراهم کند. OECD (۲۰۲۵) چهار شرط سیاست مکان‌محور مؤثر را برجسته می‌کند: هدف‌گیری ظرفیت‌ها و موانع خاص، انسجام میان سیاست‌ها، اجرای کارآمد در مقیاس مناسب و تقویت حکمرانی چندسطحی. این چارچوب از دو خطا جلوگیری می‌کند: اتکای صرف به سرمایه‌گذاری فیزیکی و فرض کفایت ظرفیت بومی بدون حمایت نهادی. در محور ایلام ـ مهران ـ دهلران، توسعهٔ درون‌زا باید با بازار عراق، سرمایه ملی و شبکهٔ حمل‌ونقل کشور پیوند بخورد.

حکمرانی همکارانه و ظرفیت نهادی

راهبرد توسعهٔ زمانی اجرایی می‌شود که متولی، منابع، زمان‌بندی، سازوکار هماهنگی و شاخص ارزیابی آن مشخص باشد. حکمرانی همکارانه بر تعامل دولت، بخش خصوصی، دانشگاه، نهادهای مدنی و جامعهٔ محلی استوار است و در مناطق مرزی باید میان سطوح ملی، استانی و محلی و در حد امکان میان نهادهای دو سوی مرز برقرار شود. چارچوب OECD برای حکمرانی مرزی چهار بعد دارد: معماری نهادی، برنامه‌ریزی راهبردی، تأمین مالی و ارتباط‌گیری عمومی (OECD, 2024). برای ایلام، این رهیافت دو دلالت دارد: نخست، تعدد سازمان‌ها باید به تقسیم کار روشن تبدیل شود؛ در غیر این‌صورت پیچیدگی نهادی خود مانع توسعه می‌شود. دوم، مشارکت نباید محدود به مدیران یا خبرگان باشد؛ اعتبار راهبردها با ترکیب شواهد آماری، نظر فعالان اقتصادی، تجربهٔ ساکنان و ارزیابی محیطی افزایش می‌یابد.

تاب‌آوری و تنوع اقتصادی

تاب‌آوری منطقه‌ای مکمل نظریهٔ رشد است و می‌پرسد اقتصاد محلی هنگام بسته شدن گذرگاه، تغییر مقررات، کاهش تقاضای عراق، بحران امنیتی، خشکسالی یا گردوغبار چگونه عمل می‌کند. از این منظر، میزان وابستگی اقتصاد محلی به منابع و بازارهای محدود، یکی از عوامل تعیین‌کنندهٔ آسیب‌پذیری آن در برابر شوک‌هاست. از این‌رو، تنوع‌بخشی اقتصادی و تعمیق زنجیره‌های ارزش به عنوان ابزارهای کاهش آسیب‌پذیری اهمیت می‌یابند. بنابراین، راهبرد توسعهٔ مرزی باید هم اثر آن بر رشد عادی و هم عملکرد در سناریوهای اختلال را بسنجد تا افزایش کوتاه‌مدت تردد یا صادرات به‌اشتباه معادل توسعهٔ پایدار تلقی نشود (Hippe et al., 2024؛ OECD, 2024).

۴.۲. وجه تکین توسعهٔ اقتصادی در محور ایلام ـ مهران ـ دهلران

ویژگی خاص ایلام از ترکیب چند عامل پدید می‌آید. نخست، تاریخ سیاسی و امنیتی مرز ایران و عراق و تجربهٔ جنگ، نگاه دفاعی به نوار مرزی و الگوی استقرار جمعیت و زیرساخت را شکل داده است. دوم، پیوندهای مذهبی و فرهنگی و نقش مهران در جابه‌جایی زائر، تقاضایی بزرگ اما فصلی ایجاد می‌کند. سوم، منابع نفت و گاز و ظرفیت کشاورزی مهران و دهلران امکان توسعهٔ تولید و صنایع پایین‌دستی را فراهم می‌کند، اما بدون زنجیرهٔ ارزش محلی ممکن است اشتغال و ارزش افزوده در خارج از منطقه تثبیت شود. چهارم، عراق بازار نزدیک کالا و خدمات ایرانی است، اما تحولات سیاسی، مقرراتی و ارزی آن منبع عدم اطمینان نیز هست. پنجم، تمرکز خدمات اداری، آموزشی و درمانی در ایلام می‌تواند نقش هماهنگ‌کننده داشته باشد، ولی در صورت ضعف اتصال، شکاف آن با کانون‌های مرزی افزایش می‌یابد.

سند آمایش استان این ترکیب را به رسمیت شناخته و برای ایلام نقش‌هایی در کشاورزی، صنایع تبدیلی، نفت و گاز، حمل‌ونقل، ترانزیت، مبادلات بازرگانی، خدمات گمرکی و گردشگری تعریف کرده است. مهران و دهلران نیز در حمل‌ونقل چندوجهی، بازرگانی، لجستیک و انرژی اولویت دارند (Supreme Council of Land Planning, 2020). بنابراین راهبرد اقتصادی باید میان بهره‌برداری از موقعیت مرزی و رعایت ملاحظات امنیتی و محیطی توازن برقرار کند.

مطالعات محلی مجموعه‌ای از موانع مرتبط را گزارش کرده‌اند: بیکاری، مهاجرت، ضعف سرمایه‌گذاری، فقدان صنایع پشتیبان، ناکافی بودن شبکه‌های حمل‌ونقل، ضعف ارتباط دانشگاه و صنعت، ناپایداری مدیریت و محدودیت فرهنگ (Piri, 2020; Omidi, 2022; Yeganeh et al, 2023). این عوامل نشان می‌دهد ایلام با سه شکاف روبه‌رو است: شکاف اتصال میان منابع و بازار، شکاف جذب میان جریان‌های عبوری و اقتصاد محلی، و شکاف حکمرانی میان دستگاه‌های متعدد. بنابراین راهبردهای توسعه باید این سه شکاف را هدف قرار دهند.

۵.۲. رابطهٔ وجوه عمومی و ویژگی‌های خاص ایلام

برای برقراری ارتباط میان سطح عام و سطح خاص، هر ویژگی ایلام باید به یک سازوکار نظری و پیامد راهبردی مرتبط شود. جدول ۲ این پیوند را نشان می‌دهد.

جدول ۲. سنجش و سازوکارهای توسعهٔ سرزمینی در مرزها

سازوکار عمومی مناطق مرزی	نمود خاص در محور ایلام ـ مهران ـ دهلران	مسئلهٔ تحلیلی	دلالت راهبردی
اثر مانع و هزینهٔ مبادله	رویه‌های مرزی، تعدد متولیان و ناپیوستگی شبکه‌های حمل‌ونقل و خدمات	آیا زمان، هزینه و عدم‌اطمینان مبادله مزیت نزدیکی به عراق را خنثی می‌کند؟	یکپارچه‌سازی خدمات مرزی، پنجره واحد، تکمیل اتصال و ثبات رویه‌ها
مرز به‌مثابه منبع	بازار عراق، گردشگری مذهبی و تفاوت تقاضا و قیمت	چه میزان از ارزش مبادلات در منطقه باقی می‌ماند؟	توسعهٔ خدمات و تولید صادرات‌گرا و افزایش ماندگاری ارزش محلی
مرکز ـ پیرامون و تجمع	تمرکز خدمات برتر در ایلام و ضعف برخی خدمات در کانون‌های تماس	آیا ایلام نقش پشتیبان دارد یا منابع را از مرز جذب می‌کند؟	شبکه‌سازی نقش‌های مکمل و توزیع هدفمند خدمات تخصصی
سرمایه سرزمینی و توسعهٔ مکان‌محور	نفت و گاز، کشاورزی، منابع انسانی، فرهنگ و موقعیت ژئوپلیتیکی	چرا منابع به زنجیرهٔ ارزش و اشتغال پایدار تبدیل نشده‌اند؟	صنایع پایین‌دستی، فرآوری، مهارت، تأمین مالی و پیوند بنگاه‌ها
حکمرانی چندسطحی	تعدد دستگاه‌ها و وابستگی تصمیم‌ها به سطح ملی و روابط با عراق	چه نهادی مسئول هماهنگی و پایش راهبرد است؟	ساختار هماهنگی دائمی، تقسیم مسئولیت، بودجه و شاخص‌های مشترک
تاب‌آوری منطقه‌ای	وابستگی به مرز مهران، بازار عراق، جریان‌های فصلی و مخاطرات محیطی	اقتصاد در برابر بسته شدن مرز یا شوک تقاضا چگونه عمل می‌کند؟	تنوع‌بخشی، مسیرها و بازارهای جایگزین، سناریونویسی و مدیریت بحران

این جدول نشان می‌دهد تکینگی ایلام در تعارض با سازوکارهای عمومی مناطق مرزی قرار ندارند، بلکه صورت محلی و مشخص فعال‌شدن آن‌ها را نشان می‌دهند. برای نمونه، وابستگی به بازار عراق تجلی محلی منطق عمومی مزیت و آسیب‌پذیری مرزی است؛ تمرکز خدمات در شهر ایلام صورت خاص رابطهٔ مرکز ـ پیرامون درون‌استانی است؛ و پارک لجستیک مهران و بندر خشک دهلران پاسخ‌های مکانی به مسئلهٔ عمومی اتصال و هزینه مبادله‌اند. چنین تحلیلی امکان می‌دهد نتایج مطالعه از سطح توصیف محلی فراتر رود، بدون آنکه تفاوت‌های سایر مرزهای ایران نادیده گرفته شود.

۶.۲ چارچوب تحلیلی پژوهش و دلالت آن برای تدوین راهبرد

توسعهٔ اقتصادی منطقهٔ مرزی حاصل تعامل چهار لایه است: ساختارهای عمومی مرزی، دارایی‌ها و محدودیت‌های محلی، جایگاه رابطه‌ای منطقه در شبکه‌های داخلی و فرامرزی، و ظرفیت نهادی. این لایه‌ها از طریق سازوکارهایی همچون کاهش هزینهٔ مبادله، تعمیق زنجیرهٔ ارزش، افزایش ظرفیت جذب، تنوع‌بخشی و تقویت حکمرانی بر پیامدهایی مانند اشتغال، درآمد، بهره‌وری، سرمایه‌گذاری و تاب‌آوری اثر می‌گذارند.

SWOT ابزار سازمان‌دهی اولیه شواهد است، اما به‌تنهایی نظریهٔ علّی یا معیار کافی برای انتخاب راهبرد نیست. ارزیابی هر راهبرد باید بر شش معیار استوار باشد: سازگاری نظری، انطباق با مقیاس مداخله، وجود متولی و منابع اجرایی، آثار توزیعی، پایداری در برابر شوک‌ها و قابلیت پایش.

دیدگاه خبرگان یکی از لایه‌های شواهد است و باید با آمارهای فضایی و اقتصادی، اسناد آمایش، شواهد کسب‌وکارها، تجربهٔ ساکنان و مطالعات تطبیقی سنجیده شود (OECD, 2024؛ OECD, 2025).

قابلیت استفاده از این چارچوب در سایر مناطق مرزی از نوع «انتقال تحلیلی مشروط» است؛ یعنی سازوکارها و پرسش‌های تحلیلی قابل تعمیم‌اند، اما ترکیب عوامل و اولویت‌ها باید بر اساس نوع مرز، ساختار کشور همسایه، فاصله از مراکز ملی، پایه تولیدی، ترکیب جمعیت و ظرفیت نهادی هر منطقه بازتنظیم شود.

در مجموع، مبانی نظری پژوهش نشان می‌دهد توسعهٔ اقتصادی مناطق مرزی نه حاصل ظرفیت‌های محلی به‌تنهایی و نه تابع صرف موقعیت جغرافیایی است، بلکه برآمده از تعامل چهار لایه ساختاری است: سازوکارهای عمومی اقتصادهای مرزی (اثر مانع، مرز به‌مثابه منبع، مرکز ـ پیرامون، وابستگی شبکه‌ای، حکمرانی چندسطحی و تاب‌آوری)، دارایی‌ها و محدودیت‌های محلی، جایگاه رابطه‌ای منطقه در شبکه‌های داخلی و فرامرزی، و ظرفیت نهادی و حکمرانی. این لایه‌ها از طریق سازوکارهایی همچون کاهش هزینهٔ مبادله، تعمیق زنجیرهٔ ارزش، افزایش ظرفیت جذب منافع جریان‌های مرزی، تنوع‌بخشی و تقویت حکمرانی چندسطحی بر پیامدهای توسعه‌ای مانند اشتغال پایدار، ارزش افزوده محلی، سرمایه‌گذاری و تاب‌آوری اثر می‌گذارند. در محور ایلام ـ مهران ـ دهلران، این چارچوب امکان می‌دهد میان «عامل محلی»، «عامل شبکه‌ای» و «عامل فرامرزی» تفکیک تحلیلی برقرار شود و از تقلیل منطقهٔ مرزی به محدودهٔ اداری استان یا فقط نقطهٔ عبور گمرک جلوگیری شود. بر این‌اساس، SWOT در پژوهش حاضر نه به عنوان نظریهٔ علّی، بلکه به عنوان ابزار سازمان‌دهی شواهد و نقطهٔ شروع برای تشخیص جهت‌گیری راهبردی (به‌ویژه اولویت نسبی راهبردهای WO) به کار گرفته می‌شود؛ در حالی که ارزیابی نهایی هر راهبرد نیازمند توجه همزمان به سازگاری نظری، مقیاس مداخله، متولی اجرایی، آثار توزیعی، پایداری در برابر شوک‌ها و قابلیت پایش است. این منطق نظری، زمینهٔ لازم برای تحلیل یافته‌های تجربی و صورت‌بندی چارچوب پیشنهادی توسعهٔ اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام را فراهم می‌آورد.

۳. پیشینهٔ پژوهش

پیشینهٔ مطالعات توسعهٔ مناطق مرزی در ایران از دههٔ ۱۳۸۰ به‌تدریج گسترش یافته و عمدتاً بر چالش‌های ساختاری، نابرابری فضایی و نقش مرز در اقتصاد منطقه‌ای تمرکز داشته است. پژوهش‌هایی مانند پرنیان و همکاران (۲۰۱۷) با رویکرد آمایش سرزمین، بر ضرورت توجه همزمان به محدودیت‌های طبیعی، موقعیت جغرافیایی و ظرفیت‌های فرامرزی تأکید کرده‌اند. ریگی و همکاران (۲۰۲۰و ۲۰۲۱) طی پژوهشی نشان داده‌اند مرز می‌تواند موتور محرکهٔ معیشت مرزنشینان باشد، هرچند ضعف زیرساخت‌ها و انزوای جغرافیایی همچنان مانع توسعه‌اند. پیری (۲۰۲۰) طی تحقیقی با تمرکز بر مرز ایران و عراق، موانع تعرفه‌ای، لجستیکی، امنیتی و نبود مدیریت یکپارچه را برجسته کرده است. در ادامه، مطالعاتی مانند دارابی و فنی (۲۰۲۱) عوامل پیشران توسعهٔ منطقه‌ای ایلام را شناسایی کرده‌اند؛ امان‌پور و محمدی (۲۰۲۱) نابرابری فضایی استان را تحلیل کرده‌اند؛ و جان‌پرور و همکاران (۲۰۲۱، ۲۰۲۳) پارامترهای مرزی مؤثر بر امنیت و توسعهٔ شهرهای مرزی را سطح‌بندی کرده‌اند. در سال‌های اخیر نیز محمدپناهی و همکاران (۲۰۲۳)، میرزایی و همکاران (۲۰۲۴) و عصمت‌یار و ملک‌پور (۲۰۲۵) بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای، تغییر الگوی مرکز ـ پیرامون و نقش حکمروایی همکارانه در توسعهٔ متعادل استان‌های مرزی تأکید کرده‌اند. با وجود این مطالعات، همچنان نیاز به چارچوبی یکپارچه و متناسب با شرایط خاص ایلام احساس می‌شود. در سطح بین‌المللی، پیشینهٔ پژوهش با نظریه‌های کلاسیک مکان آغاز می‌شود. کریستالر (Christaller, 1993) با نظریهٔ مکان مرکزی، مبنایی برای فهم موقعیت مناطق مرزی فراهم کرد. لوش (Lösch,1940) و فریدمن (Friedman, 1996) طی پژوهش‌هایی اثرات منفی مرزهای سیاسی و الگوی مرکز ـ پیرامون را برجسته کردند. هانسن (Hansen, 1978, 1976, 1975) طی مطالعه‌ای ویژگی‌های مثبت و منفی مناطق مرزی را دسته‌بندی کرده و بر ضرورت سیاست‌های خاص مرزی تأکید کرد. در دهه‌های اخیر، تمرکز پژوهش‌ها بر تاب‌آوری، همکاری فرامرزی و توسعهٔ پایدار افزایش یافته است. پروکولا (Prokkola, 2019) تاب‌آوری مرزهای اتحادیه اروپا را بررسی کرده؛ بوروسکایا و همکاران (Borovskaya et al, 2019) توسعهٔ پایدار مناطق مرزی را موضوعی کلیدی دانسته؛ و ژانگ و همکاران (Zhang et al, 2023) اثر سیاست‌های باز کردن مرزها بر اقتصاد مناطق مرزی چین را تحلیل کرده است. سو و همکاران (Su et al, 2024) ویژگی‌های متمایز توسعهٔ شهرهای مرزی ـ رشد سریع، بهینه‌سازی ساختار صنعتی، اقتصاد باز و همکاری فرامرزی ـ را تشریح کرده‌اند. پژوهش‌هایی مانند وند (Wendt, 2021)، هیپه و همکاران (Hippe et al, 2024) و موسوی (۲۰۲۴) نیز بر چالش‌های امنیتی، زیست‌محیطی و تاب‌آوری در شرایط جهانی شدن و همه‌گیری‌ها تمرکز داشته‌اند. با این‌حال، این مطالعات کمتر به مدل‌های بومی برای مناطق مرزی کشورهای درحال‌توسعه با شرایط ژئوپلیتیک پیچیده ـ مانند همسایگی با عراق و تأثیر

تحریم‌ها ـ پرداخته‌اند.

با وجود گسترش مطالعات مربوط به توسعهٔ مناطق مرزی، بخش قابل توجهی از ادبیات موجود، «منطقهٔ مرزی» را در یک مقیاس واحد، مانند شهرستان مرزی، استان مرزی یا گذرگاه مرزی، مورد تحلیل قرار داده است. این در حالی است که منطقهٔ مرزی از نظر اقتصادی الزاماً با یک واحد اداری منطبق نیست و ممکن است جریان‌های تولید، تجارت، خدمات، حمل‌ونقل و سرمایه‌گذاری در مقیاس‌های متفاوتی شکل گیرند. از این منظر، یکی از محدودیت‌های ادبیات موجود، کم‌توجهی به پیوند میان کانون تماس مستقیم با مرز، سکونتگاه‌های پشتیبان داخلی و شبکه‌های اقتصادی و ارتباطی فرامرزی است. در مورد استان ایلام نیز مطالعات پیشین، عمدتاً بر موقعیت مرزی، نابرابری فضایی، ظرفیت‌های اقتصادی، تجارت مرزی یا پیشران‌های توسعهٔ منطقه‌ای تمرکز داشته‌اند، اما پیوند نظام‌مند میان مرز مهران، کانون‌های تولیدی و خدماتی مهران و دهلران، مرکز خدماتی ایلام و شبکهٔ اقتصادی متصل به عراق کمتر در قالب یک «منطقهٔ مرزی عملکردی» صورت‌بندی شده است. از این‌رو، خلأ پژوهش حاضر فقط فقدان شناسایی عوامل توسعه نیست، بلکه فقدان یک چارچوب چندمقیاسی برای توضیح چگونگی تبدیل جریان‌های مرزی به ارزش، اشتغال و سرمایه‌گذاری در شبکهٔ فضایی منطقه است. بر همین‌اساس، پژوهش حاضر منطقهٔ مورد مطالعه را نه به عنوان کل استان و نه فقط به عنوان نوار مجاور خط مرز، بلکه به عنوان شبکهٔ عملکردی ایلام ـ مهران ـ دهلران تعریف می‌کند که در آن هر یک از کانون‌ها بر اساس نقش متفاوت خود در نظام اقتصادی مرزی تحلیل می‌شوند.

بخش نوآوری این مطالعه در مقایسه با ادبیات توسعهٔ مناطق مرزی ایران و جهان در سه سطح روش‌شناختی، محتوایی و کاربردی قابل توجه است. در حالی که بسیاری از تحقیقات داخلی (Piri, 2020; Mohammadpanahi et al, 2023; Mirzaei et al, 2024) عمدتاً بر تحلیل توصیفی چالش‌ها یا بررسی ابعاد منفرد اقتصادی، امنیتی یا فضایی تمرکز کرده‌اند و مطالعات بین‌المللی نیز بیشتر بر تجربیات موفق اتحادیهٔ اروپا و چین (Su et al, 2024; Zhang et al, 2023) تکیه دارند، مرور پیشینه نشان می‌دهد با وجود تأکید مشترک بر ظرفیت‌های مرزی، زیرساخت‌ها، حکمرانی مرزی، همکاری‌های فرامرزی و نقش مناطق ویژهٔ اقتصادی، دربارهٔ نحوهٔ اولویت‌بندی راهبردهای توسعهٔ متناسب با شرایط بومی استان ایلام اجماع روشنی وجود ندارد. انتظار می‌رود یافته‌های این پژوهش در زمینهٔ شناسایی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای توسعهٔ اقتصادی مناطق مرزی ایلام با نتایج مطالعات پیری (۲۰۲۰)، محمدپناهی و همکاران (۲۰۲۳)، میرزایی و همکاران (۲۰۲۴)، ژانگ و همکاران (۲۰۲۳) و سو و همکاران (۲۰۲۴) همسو باشد؛ زیرا این پژوهش‌ها نیز بر اهمیت زیرساخت‌های حمل‌ونقل، مدیریت یکپارچهٔ مرزی، همکاری‌های فرامرزی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی مناطق مرزی تأکید کرده‌اند. با این‌حال، وجه تمایز اصلی پژوهش حاضر در آن است که به خلاف مطالعات پیشین که عمدتاً به شناسایی چالش‌ها یا تحلیل ابعاد منفرد توسعه پرداخته‌اند، این پژوهش با ترکیب چند روش مکمل ـ تحلیل مضمون، تکنیک دلفی، ماتریس‌های IFE و EFE، تحلیل SWOT و ماتریس QSPM - نه‌تنها عوامل کلیدی توسعهٔ اقتصادی را شناسایی می‌کند، بلکه راهبردهای توسعه را اولویت‌بندی می‌کند و الگویی عملیاتی متناسب با شرایط استان ایلام ارائه می‌دهد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای ـ کاربردی و از نظر رویکرد، آمیخته (کیفی ـ کمی) و با استفاده از راهبرد اکتشافی متوالی انجام شده و با هدف شناسایی عوامل مؤثر و تدوین و اولویت‌بندی راهبردهای مناسب برای توسعهٔ پایدار اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام طراحی شده است. فرایند پژوهش در دو فاز متوالی کیفی و کمی انجام گرفت؛ به گونه‌ای که یافته‌های فاز کیفی مبنای ورود عوامل به مرحلهٔ تحلیل استراتژیک کمی قرار گرفت. در فاز کیفی، عوامل و مؤلفه‌های مرتبط با توسعهٔ اقتصادی مناطق مرزی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و بر اساس چارچوب تحلیل مضمون براون و کلارک (Braun and Clarke, 2006) استخراج و سپس با استفاده از تکنیک دلفی در سه دور متوالی غربال و نهایی شدند. مشارکت‌کنندگان این مرحله شامل خبرگان استانی ایلام، از جمله مدیران اجرایی، اعضای هیئت علمی دانشگاه ایلام و پژوهشگرانی با حداقل یک مقالهٔ منتشرشده در حوزهٔ توسعهٔ اقتصادی مناطق مرزی بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و مصاحبه‌ها تا دستیابی به اشباع نظری با ۱۵ نفر ادامه یافت؛ از این تعداد، ۱۰ نفر مرد و ۵ نفر زن بودند، ۱۱ نفر کمتر از ۱۰ سال و ۴ نفر بیش از ۱۱ سال سابقهٔ کاری داشتند و از نظر تحصیلات نیز ۴ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۱۱ نفر دارای مدرک دکتری بودند. پس از تحلیل مضمون و استخراج کدها و مضامین، به منظور ارزیابی قابلیت اعتماد فرایند کدگذاری و اطمینان از ثبات و تکرارپذیری نتایج، میزان توافق بین کدگذاران با استفاده از ضریب هولستی، ضریب پی‌اسکات، ضریب کاپای کوهن و آلفای کریپندورف بررسی شد؛ استفاده از شاخص‌های توافق بین کدگذاران از معیارهای مهم ارزیابی پایایی در تحلیل محتوا و داده‌های کیفی محسوب می‌شود (Krippendorff, 2004). در ادامه، با اجرای سه دور متوالی دلفی، عوامل استخراج‌شده از نظر اهمیت و تناسب مورد ارزیابی و بازنگری قرار گرفتند و با دستیابی به اجماع خبرگان، در نهایت ۶۲ عامل نهایی استخراج، غربالگری و در چهار دسته قوت، ضعف، فرصت و تهدید طبقه‌بندی شدند (Niederberger and Spranger, 2020).

در فاز کمی، عوامل نهایی‌شده در قالب پرسشنامه‌های محقق‌ساخته در اختیار جامعهٔ آماری شامل مدیران اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام و اساتید دانشگاهی مرتبط با حوزهٔ اقتصاد و توسعهٔ مناطق مرزی قرار گرفت. با توجه به نامشخص بودن حجم دقیق جامعهٔ آماری و قضاوت‌محور بودن داده‌های مورد نیاز برای تکمیل ماتریس‌های ارزیابی عوامل داخلی و خارجی، از نمونه‌گیری هدفمند در میان افراد واجد شرایط و در دسترس استفاده شد و ۳۰ نفر از مدیران و اساتید به عنوان پاسخ‌دهندگان فاز کمی انتخاب شدند؛ این حجم نمونه با رویه رایج در پژوهش‌های راهبردی مبتنی بر قضاوت خبرگان که استفاده از حداقل ۳۰ نفر را برای دستیابی به تحلیل کمی قابل اعتماد توصیه می‌کند، مطابقت دارد (Roscoe, 1975). از آنجا که واحد تحلیل پژوهش «منطقهٔ مرزی عملکردی» است، انتخاب مشارکت‌کنندگان و تفسیر عوامل نیز فقط بر اساس سکونت یا اشتغال در یک واحد اداری انجام نشد، بلکه میزان آشنایی و ارتباط آنان با سازوکارهای اقتصادی، مدیریتی و فضایی محور ایلام ـ مهران ـ دهلران و روابط آن با مرز عراق مورد توجه قرار گرفت؛ در این چارچوب، مهران و دهلران به عنوان کانون‌های تماس و فعالیت مستقیم مرزی، ایلام به عنوان مرکز اداری، خدماتی و پشتیبان و مرز

عـراق بـه عنوان بسـتر شـکل‌گیری جریان‌هـای فرامرزی در نظـر گرفته شـدند. در مرحلـۀ تحلیل اسـتراتژیک، بـه منظور ارزیابـی محیط داخلی و خارجـی و تعییـن وضعیـت اسـتراتژیک منطقـه، از ماتریـس ارزیابـی عوامـل داخلـی (IFE) و ماتریـس ارزیابـی عوامل خارجی (EFE) اسـتفاده شـد؛ ایـن دو ابـزار در چارچـوب تحلیـل محیطـی، امـکان شناسـایی و ارزیابـی قابلیت‌هـای منابـع، کاسـتی‌های داخلی، فرصت‌هـای محیطی و تهدیدهـای خارجـی را فراهـم می‌کننـد (Thompson et al, 2007). بـرای محاسـبۀ ماتریس‌هـای IFE و EFE، ابتـدا بـر اسـاس قضـاوت خبـرگان بـه هـر عامـل داخلـی و خارجـی ضریـب وزنـی متناسـب بـا اهمیـت نسـبی آن اختصـاص یافـت و مجمـوع اوزان عوامـل داخلـی و خارجـی بـه صـورت جداگانـه نرمال شـد؛ سـپس هـر عامـل در مقیاس چهاردرجـه‌ای ارزیابـی شـد، بـه گونـه‌ای کـه در ماتریـس IFE امتیازهـا وضعیـت عامـل را از ضعـف عمـده تـا قـوت عمـده و در ماتریـس EFE میـزان پاسـخ منطقـه بـه فرصت‌هـا و تهدیدهـا را از پاسـخ ضعیـف تـا پاسـخ عالـی نشـان مـی‌داد. بـا محاسـبۀ حاصل‌ضـرب وزن هـر عامل در امتیـاز آن و جمـع امتیازهـای وزنـی، امتیازهـای نهایـی IFE و EFE در مرحلـۀ تحلیـل نتایـج بـرای تعییـن موقعیت راهبـردی منطقه اسـتفاده شـدند. پـس از محاسـبۀ امتیازهـا IFE و EFE، موقعیت راهبـردی منطقه بـا اسـتفاده از ماتریـس IE تعییـن شـد و بـر اسـاس چارچـوب SWOT، چهـار گـروه راهبـردی SO، WO، ST و WT تدویـن شـدند و بـا توجه به موقعیـت اسـتراتژیک حاصـل از ماتریـس IE، راهبردهـای WO به عنوان جهت‌گیـری غالـب و اولویـت‌دار انتخـاب شـدند. در نهایت، بـرای تعیین اولویـت نسـبی راهبردهـای WO و کاهش اتـکای فرایند انتخـاب راهبرد بـه قضـاوت فقـط کیفـی، از ماتریـس برنامه‌ریـزی اسـتراتژیک کمـی (QSPM) اسـتفاده شـد؛ بـه این‌منظـور، وزن عوامـل داخلـی و خارجـی حاصـل از ماتریس‌هـای IFE و EFE در ارزیابـی راهبردهـا بـه کار گرفتـه شـد و پـس از تعییـن امتیـاز جذابیـت (AS) هـر عامـل نسـبت بـه هـر راهبـرد، امتیـاز جذابیـت کل (TAS) محاسـبه و راهبردهـای WO بـر اسـاس مجمـوع امتیـازات TAS رتبه‌بنـدی شـدند. بنابرایـن، فراینـد روش‌شـناختی پژوهش از شناسـایی عوامل در فاز کیفی و اعتبارسـنجی و دسـتیابی بـه اجمـاع خبـرگان، تـا ارزیابـی محیـط داخلـی و خارجی، تعییـن موقعیـت اسـتراتژیک، تدویـن راهبردهـای SWOT و در نهایـت اولویت‌بنـدی راهبردهـای منتخـب بـا اسـتفاده از QSPM، بـه صـورت متوالـی و یکپارچـه انجـام گرفـت. فراینـد اجـرای پژوهـش در هشـت مرحلۀ متوالی انجام شده است:

مرحلۀ اول: مطالعۀ مبانی نظری و اسناد

در گام نخسـت، ادبیات نظری توسـعۀ اقتصادی مناطـق مرزی، مطالعات داخلـی و خارجـی، اسـناد آمایـش سـرزمین، برنامه‌های توسـعه، قوانین و اسـناد مرتبـط بـا اسـتان ایلام بررسـی شـد تا چارچـوب نظـری اولیه پژوهش تدوین شود.

مرحلۀ دوم: گردآوری داده‌های کیفی

مصاحبه‌هـای نیمه‌سـاختاریافته بـا خبـرگان حـوزۀ توسـعۀ مناطـق مـرزی، مدیـران اجرایـی، اعضای هیئت علمی و پژوهشـگران انجام شـد. نمونه‌گیـری بـه صـورت هدفمنـد ادامـه یافـت تـا اشـباع نظـری حاصل شود.

مرحلۀ سوم: تحلیل مضمون

متـون مصاحبه‌هـا بـا اسـتفاده از روش تحلیـل مضمون بـراون و کلارک (۲۰۰۶) تحلیـل شـد و مضامین پایه، سـازمان‌دهنده و فراگیر اسـتخراج شـد. بـه منظـور افزایـش پایایـی، توافـق بین کدگـذاران بـا اسـتفاده از ضرایـب هولسـتی، پی‌اسـکات، کاپـای کوهـن و آلفـای کریپنـدورف ارزیابی شد.

مرحلۀ چهارم: اعتبارسنجی یافته‌های کیفی

عوامـل استخراج‌شـده طـی سـه دور تکنیـک دلفـی در اختیـار خبرگان قـرار گرفـت تـا اجمـاع حاصل شـود و فهرسـت نهایی قوت‌هـا، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها تدوین شود.

مرحلۀ پنجم: تبدیل یافته‌های کیفی به ابزار کمی

بـر اسـاس عوامـل نهایـی SWOT، پرسشـنامه‌های ماتریـس ارزیابـی عوامـل داخلـی (IFE) و عوامـل خارجـی (EFE) طراحـی و در اختیـار مدیـران و متخصصـان حـوزۀ توسـعۀ اقتصـادی مناطـق مـرزی قـرار گرفت.

مرحلۀ ششم: تحلیل راهبردی

پـس از محاسـبۀ امتیازهـای وزنـی عوامـل داخلـی و خارجـی، جایـگاه راهبـردی منطقـه در ماتریـس IE تعییـن شـد و چهار گـروه راهبردهای SO، WO، ST و WT استخراج شد.

مرحلۀ هفتم: اولویت‌بندی راهبردها

راهبردهـای استخراج‌شـده بـا اسـتفاده از ماتریس برنامه‌ریـزی راهبردی کمـی (QSPM) ارزیابـی و بـر اسـاس امتیـاز جذابیـت کل (TAS) اولویت‌بنـدی شـدند (Zarrabi and Mahboubfar, 2013; Meshkini et al, 2016).

مرحلۀ هشتم: تفسیر و تدوین الگوی راهبردی

در مرحلـۀ پایانـی، نتایـج تحلیل‌هـای کیفـی و کمـی به صـورت تلفیقی تفسـیر شـدند و بـا مبانـی نظـری توسـعۀ اقتصـادی مناطـق مـرزی، مطالعـات پیشـین و ویژگی‌هـای خـاص محـور ایـلام ـ مهـران ـ دهلران تطبیـق داده شـدند. خروجـی ایـن مرحلـه، تدویـن راهبردهـای نهایی و ارائـۀ چارچـوب تحلیلـی قابـل اسـتفاده بـرای سـایر مناطق مـرزی با در نظر گرفتن تفاوت‌های نهادی، فضایی و اقتصادی هر منطقه بود.

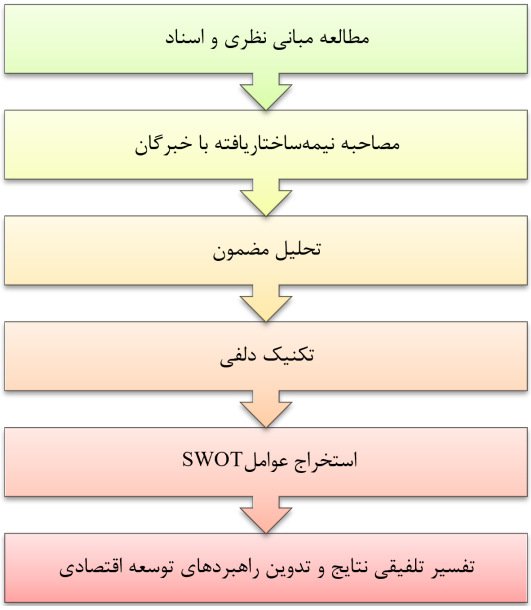

شکل ۱. روند جریان پژوهش

۱.۴. محدودهٔ مورد مطالعه

استان ایلام در غرب ایران و در پهنهٔ زاگرس قرار دارد و از شمال و شرق با استان‌های کرمانشاه و لرستان و از جنوب با استان خوزستان هم‌مرز است. مهم‌ترین ویژگی فضایی استان در ارتباط با موضوع پژوهش، قرارگیری آن در مجاورت مرز بین‌المللی ایران و عراق است؛ به گونه‌ای که استان دارای حدود ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک با عراق بوده و از طریق گذرگاه‌های مرزی، به‌ویژه مرز مهران، با شبکه‌های تجاری، زیارتی و اقتصادی عراق ارتباط دارد. از نظر ساختار فضایی، محور ایلام ـ مهران ـ دهلران و ارتباط آن با مرز عراق، یکی از کانون‌های مهم مورد توجه پژوهش محسوب می‌شود. در این ساختار، مهران به عنوان مهم‌ترین دروازهٔ ارتباطی استان با عراق، نقش محوری در جریان‌های تجاری، صادراتی، زیارتی و فرامرزی دارد و دهلران نیز از منظر ظرفیت‌های تولیدی، منابع و ارتباطات منطقه‌ای دارای اهمیت است. بنابراین، موقعیت استان در مجاورت مرز بین‌المللی، ارتباط آن با شبکه‌های داخلی و فرامرزی و جایگاه محور ایلام ـ مهران ـ دهلران، مبنای فضایی انتخاب این محدوده برای بررسی توسعهٔ اقتصادی مناطق مرزی است.

شکل ۲. ساختار فضایی و شبکهٔ عملکردی منطقهٔ مرزی ایلام ـ مهران ـ دهلران و موقعیت استان ایلام در کشور

۵. بحث و بررسی نتایج

فرایند تحلیل در این پژوهش با مطالعهٔ مبانی نظری، پیشینه و اسناد منطقه آغاز شد تا چارچوب مفهومی اولیه و حساسیت نظری نسبت به ویژگی‌های مناطق مرزی، از جمله هزینه‌های مبادله، اتصال شبکه‌ای، جریان‌های فرامرزی، ظرفیت‌های سرزمینی و تاب‌آوری اقتصادی، ایجاد شود. با وجود این، مبانی نظری فقط نقش چارچوب تفسیر داشتند و منبع مستقیم استخراج کدهای مربوط به وضعیت ایلام نبودند. کدهای اولیه مستقیم از روایت‌های خبرگان استخراج شدند و بیانگر ادراک و تجربهٔ واقعی آنان از توسعهٔ اقتصادی مناطق مرزی ایلام بودند. پس از پالایش، کدها در قالب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر سامان‌دهی شدند. معیار انتخاب مضامین، ارتباط با مسئلهٔ پژوهش، قابلیت تبیین ابعاد توسعهٔ اقتصادی مرزی و انطباق با شرایط ایلام بود. هدف تحلیل مضمون، گردآوری همهٔ موضوعات مطرح‌شده نبود، بلکه ساخت مجموعه‌ای منسجم از عوامل مؤثر بر توسعهٔ اقتصادی منطقه بود. در ادامه، عوامل استخراج‌شده در سه دور تکنیک دلفی در اختیار خبرگان قرار گرفت تا میزان اهمیت و تناسب آن‌ها ارزیابی شود. عوامل فاقد اجماع یا اهمیت کافی حذف یا اصلاح شدند و مجموعهٔ نهایی برای تحلیل راهبردی انتخاب شد. در مرحلهٔ پایانی، عوامل نهایی در چارچوب SWOT طبقه‌بندی شدند. قرار گرفتن هر عامل در گروه قوت، ضعف، فرصت یا تهدید به معنای اثبات قطعی آن ویژگی در منطقه نبود، بلکه طبقه‌بندی تحلیلی بر اساس ماهیت داخلی/خارجی و نقش آن در توسعهٔ اقتصادی منطقه بود. با توجه به چارچوب چندمقیاسی پژوهش، عوامل شناسایی‌شده در تحلیل مضمون را نمی‌توان فقط مجموعه‌ای از ویژگی‌های عمومی استان ایلام تلقی کرد. این عوامل در سطوح فضایی متفاوتی از منطقهٔ مرزی عملکردی شکل می‌گیرند و اثر آن‌ها نیز از طریق ارتباط میان این سطوح بر توسعهٔ اقتصادی ظاهر می‌شود. بخشی از عوامل مستقیم به کانون تماس مرزی و عملکرد گذرگاه مهران مربوط است؛ بخشی دیگر به ظرفیت‌های تولیدی و سرزمینی دهلران و ظرفیت‌های خدماتی، اداری و تخصصی ایلام مربوط می‌شود؛ و گروهی نیز ماهیتی شبکه‌ای یا فرامرزی دارند و به کیفیت اتصال میان این کانون‌ها و ارتباط آن‌ها با بازار و نهادهای اقتصادی عراق وابسته‌اند. بنابراین، اهمیت هر عامل نه فقط بر اساس وجود آن در یک مکان، بلکه بر اساس جایگاه آن در شبکهٔ عملکردی منطقه و توانایی آن برای ایجاد پیوند میان جریان‌های مرزی و اقتصاد محلی ارزیابی می‌شود.

۱.۵. نتایج تحلیل مضمون

به منظور شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر توسعهٔ اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام، از تحلیل مضمون با رویکرد شش‌مرحله‌ای براون و کلارک (Braun and Clarke, 2006) استفاده شد. برای ارزیابی کیفیت تحلیل کیفی، چهار شاخص مکمل محاسبه شد. جدول ۳ نتایج این شاخص‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۳. شاخص‌های پایایی تحلیل کیفی

شاخص	مقدار محاسبه‌شده	آستانهٔ قابل قبول	وضعیت
ضریب هولستی (PAO)	۰/۸۸۷	≤ ۰/۷۰	عالی
ضریب پی ـ اسکات	۰/۷۵۵	≤ ۰/۷۰	مطلوب
شاخص کاپای کوهن	۰/۷۲۵	≤ ۰/۶۰	مطلوب
آلفای کریپندروف	۰/۸۱۷	≤ ۰/۷۰	عالی

منبع: یافته‌های تحقیق

چهار معیار کمی برای بررسی قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال، قابلیت تأیید و اطمینان‌پذیری استفاده شده است: ضریب هولستی، ضریب پی اسکات، شاخص کاپای کوهن و آلفای کریپندروف. میزان همبستگی دیدگاه خبرگان با محاسبهٔ ضریب هولستی (PAO) یا «درصد توافق مشاهده‌شده» ۰/۸۸۷ به دست آمده که مقدار قابل توجهی است. با توجه به ایرادهایی که به روش هولستی وارد است شاخص پی ـ اسکات نیز محاسبه شده که میزان آن ۰/۷۵۵ به دست آمده است. سومین شاخص برآورد اعتبار تحقیقات کیفی شاخص کاپای کوهن است. شاخص کاپای کوهن در این مطالعه ۰/۷۲۵ به دست آمده است. در نهایت نیز از آلفای کریپندروف استفاده شده و میزان آن در این مطالعه ۰/۸۱۷ برآورد شده است.

مضامین استخراج‌شده

فراگرد تحلیل تم زمانی آغاز می‌شود که تحلیلگر الگوهای معنایی و موضوعاتی که جذابیت بالقوه دارند را مد نظر قرار می‌دهد. این تحلیل شامل یک رفت و برگشت مستمر بین مجموعه داده‌ها و مجموعه کدگذاری‌ها، و تحلیل داده‌هایی است که به وجود آمده‌اند. نگارش تحلیل از همان مرحلهٔ اول شروع می‌شود. به طور کلی، هیچ راه منحصربه‌فردی برای شروع مطالعه در مورد تحلیل تم وجود ندارد. تحلیل تم فراگردی بازگشتی است که در آن حرکت رفت و برگشتی در بین مراحل ذکر شده وجود دارد. مراحل ششگانهٔ تحلیل تم با رویکردی که براون و کلارک (۲۰۰۶) ارائه داده‌اند، در ادامه توضیح داده شده است.

مرحلهٔ ۱. آشنایی با داده‌ها: برای اینکه محقق با عمق و گسترهٔ محتوایی داده‌ها آشنا شود لازم است که خود را در آن‌ها تا اندازه‌ای غوطه‌ور سازد. غوطه‌ور شدن در داده‌ها معمولاً شامل «بازخوانی مکرر داده‌ها» و خواندن داده‌ها به صورت فعال (یعنی جست‌وجوی معانی و الگوها) است.

مرحلهٔ ۲. ایجاد کدهای اولیه: مرحلهٔ دوم زمانی شروع می‌شود که محقق داده‌ها را خوانده و با آن‌ها آشنایی پیدا کرده است. این مرحله شامل ایجاد کدهای اولیه از داده‌ها است. کدها یک ویژگی داده‌ها را معرفی می‌کنند که به نظر تحلیل‌گر جالب می‌رسد

.داده‌های کدگذاری‌شده از واحدهای تحلیل (تم‌ها) متفاوت هستند. کدگذاری را می‌توان به صورت دستی یا از طریق برنامه‌های نرم‌افزاری انجام داد. در این پژوهش کدگذاری‌ها به صورت نرم‌افزاری انجام شد. پس از انجام مراحل شش‌گانه تحلیل مضمون، ۱۰۲ کد اولیه استخراج شد.

مرحلهٔ ۳. جست‌وجوی کدهای گزینشی (مضامین پایه): این مرحله شامل دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب کدهای گزینشی و مرتب کردن همهٔ خلاصه داده‌های کدگذاری شده است. در واقع محقق، تحلیل کدهای خود را شروع می‌کند و در نظر می‌گیرد که چگونه کدهای مختلف می‌توانند برای ایجاد یک تم کلی ترکیب شوند. در این مرحله محققان کدهای ناقص یا نامرتبط و همچنین، کدهای تکراری را کنار گذاشتند تا به این تعداد کد گزینشی دست یافتند.

مرحلهٔ ۴. شکل‌گیری مضامین سازنده: مرحلهٔ چهارم زمانی شروع می‌شود که محقق مجموعه‌ای از تم‌ها را ایجاد می‌کند و آن‌ها را مورد بازبینی قرار می‌دهد. این مرحله شامل دو مرحله بازبینی و تصفیه و شکل‌دهی به تم‌های فرعی است. مرحلهٔ اول شامل بازبینی در سطح خلاصه‌های کدگذاری شده است. در مرحلهٔ دوم اعتبار تم‌های فرعی در رابطه با مجموعه داده‌ها در نظر گرفته می‌شود. در این مرحله محققان به مضامین سازنده دست پیدا کردند.

پس از پالایش و حذف کدهای تکراری و نامرتبط، در نهایت ۶۲ مؤلفه در قالب چهار دستهٔ اصلی (قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها) شناسایی شدند. جدول ۵ این مضامین را در چارچوب SWOT ارائه می‌دهد.

یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد در کنار ظرفیت‌های قابل توجه استان ایلام، مجموعه‌ای از محدودیت‌های ساختاری نیز وجود دارد که بهره‌گیری کامل از این ظرفیت‌ها را دشوار می‌کند. تعداد بیشتر ضعف‌ها (۲۱ مؤلفه) بر قوت‌ها (۱۴ مؤلفه) در کنار حضور ۱۵ تهدید جدی، بیانگر عمق چالش‌های ساختاری استان است. مهم‌ترین ضعف‌های شناسایی‌شده عبارت‌اند از: فقدان مدیریت واحد تجاری، نبود مدیریت یکپارچهٔ مرز مهران و نبود صنایع مادر. در مقابل، وجود ۱۳ فرصت محیطی به‌ویژه در حوزهٔ پروژه‌های کلان ملی (اتصال ریلی سراسری، کریدور شرق ـ غرب) و همکاری‌های فرامرزی، یک پنجره فرصت راهبردی برای خروج از وضعیت موجود ایجاد کرده است.

۲.۵. نتایج تکنیک دلفی

در این پژوهش، منظور از اهمیت عوامل در فرایند دلفی، میزان اهمیت هر عامل از منظر نقش و تأثیر احتمالی آن در توسعهٔ اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام، با تأکید بر محور عملکردی ایلام ـ مهران ـ دهلران و روابط اقتصادی و فرامرزی آن با عراق، بوده است. بنابراین، از خبرگان دربارهٔ اهمیت عمومی یا مستقل هر عامل سؤال نشد، بلکه از آنان خواسته شد میزان اهمیت هر یک از عوامل شناسایی‌شده را در ارتباط با مسئلهٔ اصلی پژوهش، یعنی توسعهٔ اقتصادی منطقهٔ مرزی مورد مطالعه، ارزیابی کنند. بر این‌اساس، طیف ارزیابی دلفی برای سنجش میزان اهمیت عوامل در این بستر مشخص طراحی شد و پاسخ خبرگان مبنای غربال و پالایش عوامل قرار گرفت.

برای محاسبهٔ هماهنگی دیدگاه کارشناسان از ضریب توافقی کندال استفاده شده است.

جدول ۴. ضریب توافق کندال

مرحله	تعداد شاخص ورودی	شاخص‌های حذف‌شده	ضریب توافق کندال (W)	سطح معناداری	وضعیت اجماع
راند اول	۱۰۲	۴۰	–	–	غربالگری اولیه
راند دوم	۶۲	۰	۰/۸۶۰	۰/۰۰۰	اجماع متوسط
راند سوم	۶۲	۰	۰/۸۸۷	۰/۰۰۰	اجماع قوی

براساس نتایج جدول ۴، ضریب توافق کندال در راند دوم دلفی برابر با ۰/۸۶۰ و در راند سوم برابر با ۰/۸۸۷ به دست آمد که افزایش میزان توافق میان خبرگان در راند سوم را نشان می‌دهد. هر دو ضریب از نظر آماری معنادار بوده‌اند. همچنین، مقایسهٔ نتایج دو راند نشان داد میانگین امتیازهای گویه‌ها در راند سوم تغییر محسوسی نسبت به راند دوم نداشته است. بر این‌اساس، نتایج راند سوم به عنوان مبنای نهایی توافق خبرگان در نظر گرفته شد و عوامل تأییدشده برای مراحل بعدی تحلیل مورد استفاده قرار گرفتند.

جدول ۵. نتایج یکپارچهٔ تحلیل مضمون، تکنیک دلفی و ارزیابی عوامل داخلی و خارجی (IFE و EFE)

کد	مضمون اولیه (تحلیل مضمون)	مضمون سازنده	وزن (دلفی)	امتیاز (IFE/EFE)	امتیاز وزنی
قوت‌ها (S)	موقعیت مرزی برای تجارت با عراق و دسترسی به مدیترانه	قوت‌ها	۰/۰۳۵	۴	۰/۱۴
	موقعیت مرزی برای مبادلات زیارتی ـ سیاحتی	قوت‌ها	۰/۰۳	۴	۰/۱۲
	مرز مهران برای صادرات کالا و خدمات فنی مهندسی	قوت‌ها	۰/۰۳۵	۴	۰/۱۴
	منطقهٔ ویژه اقتصادی مهران	قوت‌ها	۰/۰۳۵	۳	۰/۱۰۵
	قابلیت‌های گمرک بین‌المللی	قوت‌ها	۰/۰۳	۳	۰/۰۹
	پتانسیل محصولات کشاورزی صادراتی	قوت‌ها	۰/۰۳۵	۴	۰/۱۴

کد	مضمون اولیه (تحلیل مضمون)	مضمون سازنده	وزن (دلفی)	امتیاز (IFE/EFE)	امتیاز وزنی
قوت‌ها (S)	منابع آب و خاک مستعد	قوت‌ها	۰/۰۳	۳	۰/۰۹
	تولید محصولات ارگانیک	قوت‌ها	۰/۰۲۵	۳	۰/۰۷۵
	منابع نفت و گاز	قوت‌ها	۰/۰۳۵	۴	۰/۱۴
	معادن کانی غیرفلزی	قوت‌ها	۰,۰۲۵	۳	۰/۰۷۵
	پتانسیل صنایع پایین‌دستی پتروشیمی	قوت‌ها	۰/۰۳۵	۴	۰/۱۴
	گردشگری طبیعی، فرهنگی و مذهبی	قوت‌ها	۰/۰۳	۳	۰/۰۹
	صنایع دستی و فرش دستباف	قوت‌ها	۰/۰۲	۳	۰/۰۶
	قابلیت جذب سرمایه‌گذاری خارجی	قوت‌ها	۰/۰۳	۳	۰/۰۹
جمع قوت‌ها			۰/۴۵۵		۱/۳۵۵
ضعف‌ها (W)	فقدان مدیریت واحد تجاری	ضعف‌ها	۰/۰۴	۱	۰/۰۴
	نبود مدیریت یکپارچهٔ مرز مهران	ضعف‌ها	۰/۰۴	۱	۰/۰۴
	تعطیلی مرز در ایام خاص	ضعف‌ها	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	نبود سرکنسولگری‌ها	ضعف‌ها	۰/۰۳	۱	۰/۰۳
	عدم پیگیری کنسولگری عراق در ایلام	ضعف‌ها	۰/۰۳	۱	۰/۰۳
	تعرفهٔ دوگانه	ضعف‌ها	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	عوارض بالاتر مرز مهران	ضعف‌ها	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	ممنوعیت صادرات برخی کالاها	ضعف‌ها	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	کمبود فضای تخلیه و بارگیری	ضعف‌ها	۰/۰۳	۱	۰/۰۳
	مشترک بودن محوطهٔ ترانزیت و صادرات	ضعف‌ها	۰/۰۲۵	۲	۰/۰۵
	کمبود تجهیزات و درب‌های گمرکی	ضعف‌ها	۰/۰۳	۱	۰/۰۳
	ناآشنایی با قوانین بازارهای خارجی	ضعف‌ها	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	عدم تطبیق با استانداردها	ضعف‌ها	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	ضعف بسته‌بندی صادراتی	ضعف‌ها	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	مشکلات پرداخت خارجی	ضعف‌ها	۰/۰۳۵	۱	۰/۰۳۵
	نبود ارتباطات ارزی با عراق	ضعف‌ها	۰/۰۳۵	۱	۰/۰۳۵
	نبود صنایع مادر	ضعف‌ها	۰/۰۳۵	۱	۰/۰۳۵
	نبود زنجیرهٔ تولید	ضعف‌ها	۰/۰۳۵	۱	۰/۰۳۵
	فرسودگی صنایع	ضعف‌ها	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	ضعف کارآفرینی	ضعف‌ها	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	کمرنگ بودن بخش خصوصی	ضعف‌ها	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
جمع ضعف‌ها			۰/۵۴۵		۰/۹۲۵
جمع نمره IFE			۱/۰۰۰		۲/۲۸

کد	مضمون اولیه (تحلیل مضمون)	مضمون سازنده	وزن (دلفی)	امتیاز (IFE/EFE)	امتیاز وزنی
	راه‌اندازی منطقهٔ ویژه اقتصادی	فرصت‌ها	۰/۰۴۵	۴	۰/۱۸
	ایجاد مناطق ویژه دوسویه مرزی	فرصت‌ها	۰/۰۴	۴	۰/۱۶
	ایجاد بازارچهٔ مرزی دهلران	فرصت‌ها	۰/۰۳۵	۳	۰/۱۰۵
	هماهنگی وزارتخانه‌های ایران و عراق	فرصت‌ها	۰/۰۴	۳	۰/۱۲
	اتصال ریلی سراسری	فرصت‌ها	۰/۰۴۵	۴	۰/۱۸
	کریدور شرق ـ غرب	فرصت‌ها	۰/۰۴۵	۴	۰/۱۸
فرصت‌ها (O)	توسعهٔ راه‌های شریانی	فرصت‌ها	۰/۰۴	۳	۰/۱۲
	صادرات خدمات پزشکی	فرصت‌ها	۰/۰۳۵	۳	۰/۱۰۵
	گردشگری مسیر عتبات	فرصت‌ها	۰/۰۴	۴	۰/۱۶
	بهره‌برداری سد سیمره	فرصت‌ها	۰/۰۳۵	۳	۰/۱۰۵
	گازرسانی روستایی	فرصت‌ها	۰/۰۳	۳	۰/۰۹
	شبکه‌های آبرسانی کشاورزی	فرصت‌ها	۰/۰۳۵	۳	۰/۰۱۰۵
	الگوسازی کارآفرینان و زنان روستایی	فرصت‌ها	۰/۰۳	۳	۰/۰۹
جمع فرصت‌ها			۰/۴۹۵		۱/۶
	تحریم‌ها	تهدیدها	۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵
	بی‌ثباتی عراق	تهدیدها	۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵
	تداخل امنیت و اقتصاد	تهدیدها	۰/۰۴	۲	۰/۰۸
	ریزگردها	تهدیدها	۰/۰۴	۲	۰/۰۸
	بیابان‌زایی	تهدیدها	۰/۰۳۵	۲	۰/۰۷
	آلودگی منابع آب	تهدیدها	۰/۰۳۵	۲	۰/۰۷
	کاهش اعتبارات	تهدیدها	۰/۰۴	۲	۰/۰۸
تهدیدها (T)	نوسان قیمت نفت	تهدیدها	۰/۰۴	۲	۰/۰۸
	افت بازار بیتومین	تهدیدها	۰/۰۳۵	۲	۰/۰۷
	مهاجرت جوانان	تهدیدها	۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵
	رشد منفی جمعیت	تهدیدها	۰/۰۴	۱	۰/۰۴
	کاهش جمعیت فعال	تهدیدها	۰/۰۴	۱	۰/۰۴
	ترافیک زائران و ترانزیت	تهدیدها	۰/۰۳۵	۲	۰/۰۷
	فرسودگی راه‌ها	تهدیدها	۰/۰۳۵	۲	۰/۰۷
	رقابت استان‌های همجوار	تهدیدها	۰/۰۴	۲	۰/۰۸
جمع تهدیدها			۰/۵۰۵		۰/۹۳۵
جمع نمره EFE			۱/۰۰۰		۲/۵۴

منبع: یافته‌های تحقیق

• مرحلۀ ۱ (تحلیل مضمون و استخراج عوامل SWOT): عوامل اولیه از مصاحبه‌های خبرگان و تحلیل مضمون (با رویکرد براون و کلارک) استخراج شدند. در این جدول، مضمون اولیه و سازنده هر عامل مشخص شده و عوامل به چهار دسته قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها تقسیم شده‌اند. این جدول پایه‌ای برای همۀ تحلیل‌های بعدی بود و هیچ وزن یا امتیازی در آن وجود نداشت.

• مرحلۀ ۲ (تکنیک دلفی): عوامل استخراج‌شده در سه دور دلفی (با هدف دستیابی به اجماع خبرگان) مورد ارزیابی قرار گرفتند. در بسیاری از مطالعات دلفی، اگر میانگین پاسخ‌ها در راند *n و *n+1 اختلافی کمتر از ۰/۲ داشته باشند، فرایند پایان می‌یابد (Cheng and Lin, 2002). در جدول ۵، وزن‌های نهایی (اهمیت نسبی) پس از اجماع دلفی (در راند سوم) در ستون «وزن (دلفی ـ اهمیت نسبی پس از اجماع)» نمایش داده شده‌اند. این وزن‌ها نشان‌دهندۀ اهمیت نسبی هر عامل در چارچوب توسعۀ اقتصادی محور ایلام ـ مهران ـ دهلران است.

• مرحلۀ ۳ (ماتریس IFE و EFE): وزن‌های نهایی دلفی به عنوان وزن هر عامل در نظر گرفته شد. سپس، به هر عامل امتیاز از ۱ تا ۴ (از ضعف عمده تا قوت عمده برای عوامل داخلی و از پاسخ ضعیف تا پاسخ عالی برای عوامل خارجی) اختصاص یافت. در جدول ۵، امتیاز برای عوامل داخلی (IFE) و عوامل خارجی (EFE) در یک ستون مشترک نشان داده شده‌اند. جمع امتیازهای وزنی بخش قوت‌ها (۱/۳۵۵)، ضعف‌ها (۰/۹۲۵) و ۲/۲۸ = (IFE) و همچنین، جمع بخش فرصت‌ها (۱/۶)، تهدیدها (۰/۹۳۵) و ۲/۵۴ = (EFE) است.

برای تعیین موقعیت باید نمرات حاصل از ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی را در ابعاد عمودی و افقی آن قرار داد تا جایگاه سازمان مشخص شود و بتوان استراتژی‌های مناسبی را برای آن مشخص کرد. این ماتریس که منطبق بر ماتریس SWOT است و استراتژی‌های مناسب برای سازمان را مشخص می‌کند در شکل ۳ ارائه شده است.

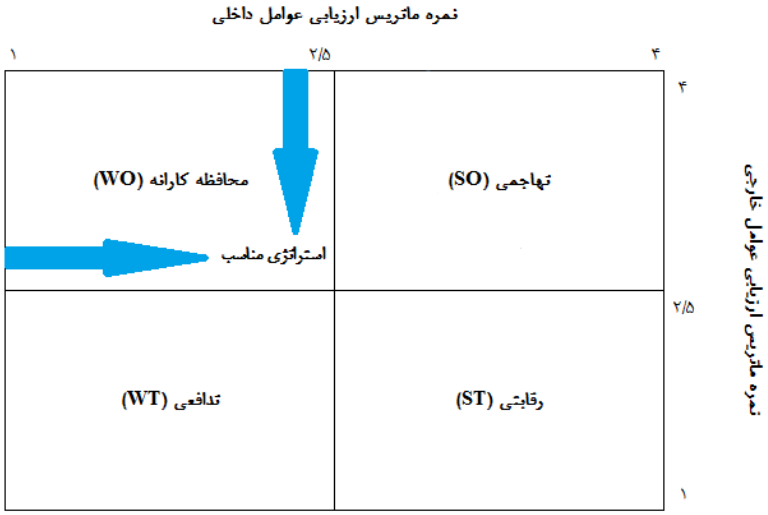

شکل ۳. تجزیه‌وتحلیل ماتریس داخلی و خارجی

نتایج ماتریس‌های IFE و EFE نشان داد وضعیت داخلی و محیط خارجی منطقه در محدودۀ میانی قرار دارد؛ به گونه‌ای که امتیاز وزنی IFE برابر ۲/۲۸ و امتیاز وزنی EFE برابر ۲/۵۴ به دست آمد. این نتایج بیانگر آن است که منطقه، ضمن برخورداری از ظرفیت‌ها و فرصت‌های قابل استفاده، با محدودیت‌ها و تهدیدهای قابل توجهی نیز مواجه است. از این‌رو، نتایج IFE و EFE در این پژوهش به عنوان مبنای تشخیص وضعیت عمومی و ورودی مرحلۀ تدوین راهبرد مورد استفاده قرار گرفتند. از این‌رو، راهبردهای WO به عنوان راهبردهای غالب و مناسب برای وضعیت کنونی منطقه مورد توجه قرار گرفتند و در ادامه، راهبردهای متناظر با این وضعیت شناسایی و اولویت‌بندی شدند. با این‌حال، جایگاه WO نباید به عنوان یک وضعیت ثابت و تغییرناپذیر منطقه تلقی شود؛ زیرا جایگاه راهبردی حاصل از SWOT تابع شرایط داخلی و محیطی در مقطع مورد مطالعه است و می‌تواند تحت تأثیر نحوۀ مدیریت، میزان اجرای سیاست‌ها و تغییر ظرفیت‌ها و محدودیت‌های منطقه دستخوش تغییر شود. بنابراین، اجرای مؤثر راهبردهای WO و استفادۀ هدفمند از فرصت‌های موجود می‌تواند با کاهش ضعف‌های داخلی، زمینۀ حرکت تدریجی منطقه به سمت وضعیت SO را فراهم کند؛ در مقابل، تداوم یا تشدید ضعف‌های موجود و عدم بهره‌گیری از فرصت‌ها می‌تواند موجب تقویت آسیب‌پذیری منطقه و حرکت آن به سمت وضعیت WT شود. بر این‌اساس، خروجی SWOT در پژوهش حاضر نه به عنوان تعیین قطعی مسیر آیندۀ منطقه، بلکه به عنوان تشخیص راهبردی وضعیت موجود و نقطه شروع سیاست‌گذاری تفسیر می‌شود.

۳.۵. رویکرد پیشنهادی توسعۀ اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام

یافته‌های حاصل از تحلیل SWOT نشان داد توسعۀ اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام را نمی‌توان به یک عامل منفرد یا یک اقدام سیاستی مشخص تقلیل داد، بلکه تحقق آن مستلزم تعامل میان ظرفیت‌های درونی منطقه، محدودیت‌های موجود، فرصت‌های ناشی از موقعیت مرزی و شرایط محیطی اثرگذار بر منطقه است. بر این‌اساس، راهبردهای استخراج‌شده در قالب چهار جهت‌گیری SO، WO، ST و WT سازمان‌دهی شدند تا از طریق پیوند دادن عوامل داخلی و خارجی، چارچوبی منسجم برای تبیین مسیرهای توسعۀ

اقتصادی منطقه ارائه شود.

استفاده از قوت‌ها برای بهره‌برداری از فرصت‌ها

SO1. توسعهٔ خوشهٔ صادراتی کشاورزی و محصولات ارگانیک با تکیه بر مرز مهران، بازار عراق و ایجاد بازارچه‌های مرزی

SO2. جذب سرمایه‌گذاری خارجی در نفت، گاز، معدن و صنایع پایین‌دستی پتروشیمی با استفاده از منطقهٔ ویژهٔ اقتصادی مهران

SO3. توسعهٔ گردشگری زیارتی ـ سیاحتی (مسیر عتبات) با بهره‌گیری از موقعیت مرزی و زیرساخت‌های حمل‌ونقل

SO4. تبدیل ایلام به هاب لجستیکی غرب کشور با اتکا به کریدور شرق ـ غرب، اتصال ریلی و گمرک بین‌المللی

SO5. توسعهٔ صادرات خدمات فنی ـ مهندسی و پزشکی به عراق با استفاده از مزیت هم‌مرزی و تقاضای بازار هدف

استفاده از فرصت‌ها برای جبران ضعف‌ها ← (راهبرد غالب استان)

WO1. استقرار مدیریت یکپارچهٔ مرزی و تجاری با استفاده از هماهنگی وزارتخانه‌های ایران و عراق

WO2. تکمیل زنجیره‌های تولید کشاورزی و صنعتی از طریق ایجاد مناطق ویژه دوسویه مرزی

WO3. ارتقای زیرساخت‌های گمرکی، لجستیکی و حمل‌ونقل با بهره‌گیری از پروژه‌های ملی (ریل، راه‌های شریانی)

WO4. توانمندسازی صادرکنندگان در حوزهٔ استاندارد، بسته‌بندی و قوانین بازار عراق

استفاده از قوت‌ها برای کاهش تهدیدها

ST1. تنوع‌بخشی به صادرات (کشاورزی، گردشگری، خدمات) برای کاهش وابستگی به نفت و نوسانات قیمتی

ST2. توسعهٔ صنایع پایین‌دستی پتروشیمی برای مقابله با افت بازار مواد خام

ST3. تقویت گردشگری پایدار برای کاهش اثر مهاجرت و رکود اقتصادی

ST4. بهره‌برداری بهینه از منابع آب و خاک برای مقابله با ریزگردها و بیابان‌زایی

کاهش ضعف‌ها و پرهیز از تهدیدها

WT1. اصلاح ساختار حکمرانی مرزی برای جلوگیری از تداخل امنیت و اقتصاد

WT2. بازسازی و نوسازی صنایع فرسوده برای حفظ اشتغال و کاهش مهاجرت

WT3. بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل برای مدیریت ترافیک زائران و ترانزیت

WT4. تقویت دیپلماسی اقتصادی مرزی برای کاهش اثر تحریم‌ها و بی‌ثباتی عراق

با توجه به نتایج ماتریس‌های IFE و EFE، راهبردهای مبتنی بر فرصت ـ ضعف (WO) در شرایط موجود از اولویت بالاتری برخوردارند و بر کاهش ضعف‌های داخلی از طریق بهره‌گیری از فرصت‌های موجود تمرکز دارند. با این‌حال، این اولویت به معنای کنار گذاشتن سایر جهت‌گیری‌های راهبردی SWOT نیست. هر چهار گروه راهبردهای SO، WO، ST و WT متناسب با وضعیت و تغییرات عوامل داخلی و خارجی می‌توانند در فرایند مدیریت و توسعهٔ اقتصادی منطقه مورد استفاده قرار گیرند. بر این‌اساس، در ادامه برای هر چهار جهت‌گیری راهبردی، راهکارهای متناظر ارائه شده و راهبردهای WO با توجه به جایگاه فعلی منطقه، به عنوان نقطهٔ شروع و اولویت نخست مداخله مورد توجه قرار گرفته‌اند.

نتایج QSPM بیانگر اولویت نسبی راهبردها در شرایط کنونی است و نباید به منزلهٔ ضرورت انتخاب یک راهبرد و کنار گذاشتن سایر راهبردهای مکمل تفسیر شود. از آنجا که بسیاری از راهبردهای توسعهٔ اقتصادی مناطق مرزی ماهیتی وابسته و مکمل دارند، اجرای یک راهبرد می‌تواند هم‌زمان زمینهٔ تحقق یا اثربخشی راهبردهای دیگر را فراهم کند. بنابراین، اختلاف امتیازهای QSPM فقط برای تعیین ترتیب نسبی اولویت‌ها در شرایط مورد مطالعه به کار گرفته شده است و اختلاف‌های جزئی میان امتیازها نباید به عنوان تفاوت قطعی در اهمیت یا اثربخشی عملی راهبردها تلقی شود. همچنین، این اولویت‌بندی در سطح کلی توسعهٔ اقتصادی مناطق مرزی انجام شده و به معنای تعیین راهبرد مستقل برای هر یک از دستگاه‌ها یا سطوح مدیریتی نیست. در مرحلهٔ تدوین ماتریس QSPM، عوامل منتخب داخلی و خارجی بر اساس میزان ارتباط مستقیم و قابلیت اثرگذاری آن‌ها بر راهبردهای فرصت ـ ضعف (WO) وارد فرایند اولویت‌بندی شدند. در بخش عوامل داخلی، ضعف‌هایی نظیر فقدان مدیریت واحد تجاری، نبود مدیریت یکپارچهٔ مرز مهران، کمبود فضای تخلیه و بارگیری، کمبود تجهیزات گمرکی، ناآشنایی با قوانین بازار عراق، عدم تطبیق با استانداردها، ضعف بسته‌بندی صادراتی، نبود صنایع مادر، نبود زنجیرهٔ تولید و کمرنگ بودن مشارکت بخش خصوصی، به دلیل ارتباط مستقیم با محورهای اصلی راهبردهای WO مورد ارزیابی قرار گرفتند؛ به طور مشابه، در بخش عوامل خارجی نیز فرصت‌هایی از قبیل راه‌اندازی منطقهٔ ویژه اقتصادی، ایجاد مناطق ویژه دوسویه مرزی، هماهنگی میان وزارتخانه‌های ایران و عراق، اتصال ریلی سراسری، کریدور شرق ـ غرب، توسعهٔ راه‌های شریانی، صادرات خدمات پزشکی، گردشگری مسیر عتبات، توسعهٔ شبکه‌های آبرسانی کشاورزی و الگوسازی کارآفرینان و زنان روستایی، با توجه به قابلیت آن‌ها برای پشتیبانی از راهبردهای WO در ماتریس QSPM لحاظ شدند. بر این‌اساس، انتخاب عوامل برای QSPM با هدف بازنمایی مستقیم پیوند میان عوامل داخلی و خارجی و راهبردهای منتخب انجام شده است. این رویکرد با منطق ماتریس QSPM، که بر ارزیابی جذابیت نسبی راهبردها بر اساس عوامل کلیدی مؤثر بر انتخاب راهبرد تأکید دارد، همخوان است (David, 1986; David et al., 2009).

جدول ۶. ماتریس کمی برنامه‌ریزی استراتژیک (QSPM) برای بخش ضعف‌ها (W)

عامل	وزن	WO1	TAS	WO2	TAS	WO3	TAS	WO4	TAS
W1 فقدان مدیریت واحد تجاری	۰/۰۷	۴	۰/۲۸	۲	۰/۱۴	۱	۰/۰۷	۱	۰/۰۷
W2 نبود مدیریت یکپارچهٔ مرز مهران	۰/۰۷	۴	۰/۲۸	۳	۰/۲۱	۱	۰/۰۷	۱	۰/۰۷
W9 کمبود فضای تخلیه و بارگیری	۰/۰۵	۳	۰/۱۵	۲	۰/۱	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵

عامل	وزن	WO1	TAS	WO2	TAS	WO3	TAS	WO4	TAS
W11 کمبود تجهیزات گمرکی	۰/۰۵	۳	۰/۱۵	۲	۰/۱	۲	۰/۱	۱	۰/۰۵
W12 ناآشنایی با قوانین بازار عراق	۰/۰۶	۲	۰/۱۲	۴	۰/۲۴	۲	۰/۱۲	۱	۰/۰۶
W13 عدم تطبیق با استانداردها	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۲	۰/۱۲	۴	۰/۲۴	۲	۰/۱۲
W14 ضعف بسته‌بندی صادراتی	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۴	۰/۲	۲	۰/۱
W17 نبود صنایع مادر	۰/۰۶	۲	۰/۱۲	۱	۰/۰۶	۳	۰/۱۸	۱	۰/۰۶
W18 نبود زنجیرهٔ تولید	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۲	۰/۱۲	۳	۰/۱۸	۳	۰/۱۸
W21 کمرنگ بودن بخش خصوصی	۰/۰۷	۱	۰/۰۷	۱	۰/۰۷	۳	۰/۲۱	۴	۰/۲۸
جمع			۱.۳۴		۱.۲۱		۱.۴۲		۱.۰۴

جدول ۷. ماتریس کمی برنامه‌ریزی استراتژیک (QSPM) برای بخش فرصت‌ها (O)

عامل	وزن	WO1	TAS	WO2	TAS	WO3	TAS	WO4	TAS
O1 راه‌اندازی منطقهٔ ویژهٔ اقتصادی	۰/۰۶	۳	۰/۱۸	۲	۰/۱۲	۲	۰/۱۲	۲	۰/۱۲
O2 ایجاد مناطق ویژهٔ دوسویه مرزی	۰/۰۶	۴	۰/۲۴	۲	۰/۱۲	۱	۰/۰۶	۱	۰/۰۶
O4 هماهنگی وزارتخانه‌های ایران و عراق	۰/۰۵	۳	۰/۱۵	۳	۰/۱۵	۲	۰/۱	۲	۰/۱
O5 اتصال ریلی سراسری	۰/۰۵	۲	۰/۱	۲	۰/۱	۲	۰/۱	۲	۰/۱
O6 کریدور شرق ـ غرب	۰/۰۶	۲	۰/۱۲	۲	۰/۱۲	۳	۰/۱۸	۴	۰/۲۴
O7 توسعهٔ راه‌های شریانی	۰/۰۵	۲	۰/۱	۲	۰/۱	۳	۰/۱۵	۴	۰/۲
O8 صادرات خدمات پزشکی	۰/۰۵	۲	۰/۱	۲	۰/۱	۳	۰/۱۵	۴	۰/۲
O9 گردشگری مسیر عتبات	۰/۰۵	۳	۰/۱۵	۴	۰/۲	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵
O12 شبکه‌های آبرسانی کشاورزی	۰/۰۵	۲	۰/۱	۴	۰/۲	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵
O13 الگوسازی کارآفرینان و زنان روستایی	۰/۰۷	۳	۰/۲۱	۳	۰/۲۱	۲	۰/۱۴	۲	۰/۱۴
جمع			۱/۴۵		۱/۴۲		۱/۱۰		۱/۲۶

جدول ۸. جمع نهایی QSPM راهبردهای محافظه‌کارانه

راهبرد	TAS ضعف‌ها	TAS فرصت‌ها	جمع کل	رتبه
WO1. استقرار مدیریت یکپارچهٔ مرزی و تجاری با استفاده از هماهنگی وزارتخانه‌های ایران و عراق	۱/۳۴	۱/۴۵	۲/۷۹	۱
WO2. تکمیل زنجیره‌های تولید کشاورزی و صنعتی از طریق ایجاد مناطق ویژه دوسویه مرزی	۱/۴۲	۱/۱	۲/۵۲	۲
WO3. ارتقای زیرساخت‌های گمرکی، لجستیکی و حمل‌ونقل با بهره‌گیری از پروژه‌های ملی (ریل، راه‌های شریانی)	۱/۲۱	۱/۴۲	۲/۶۳	۳
WO4. توانمندسازی صادرکنندگان در حوزه استاندارد، بسته‌بندی و قوانین بازار عراق	۱/۰۴	۱/۲۶	۲/۳	۴

WO1. استقرار مدیریت یکپارچهٔ مرزی و تجاری با استفاده از هماهنگی وزارتخانه‌های ایران و عراق

راهبرد WO1 با هدف رفع ضعف‌های مدیریتی مرز مهران و بهره‌گیری از فرصت هماهنگی نهادی میان وزارتخانه‌های ایران و عراق طراحی شده است. در وضعیت موجود، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر، نبود فرماندهی واحد، تداخل وظایف امنیتی و تجاری و فقدان رویه‌های هماهنگ، موجب کاهش کارایی مرز، افزایش هزینهٔ مبادله و بی‌ثباتی در فرایند صادرات و واردات شده است. این راهبرد با ایجاد ساختار حکمرانی یکپارچهٔ مرزی تلاش می‌کند از ظرفیت دیپلماسی اقتصادی و همکاری‌های دوجانبه برای سامان‌دهی

فرایندهای مرزی استفاده کند. هماهنگی میان وزارتخانه‌های امور خارجه، صمت، اقتصاد، راه و شهرسازی، جهاد کشاورزی و نهادهای متناظر عراقی، زمینه‌ساز هم‌راستاسازی مقررات، کاهش تعارض‌های اجرایی و تدوین رویه‌های مشترک مرزی خواهد شد. اجرای مدیریت یکپارچه می‌تواند از طریق تشکیل دبیرخانهٔ مشترک، تعریف پروتکل‌های عملیاتی واحد و استقرار سامانه‌های هوشمند تصمیم‌گیری ضعف‌های مدیریتی موجود را کاهش دهد و پایداری تجارت مرزی را افزایش دهد.

در مجموع، WO1 یک راهبرد نهادی ـ ساختاری است که با اتکا به فرصت هماهنگی بین‌دولتی، ضعف‌های مزمن مدیریت مرزی را هدف قرار می‌دهد و زمینه‌ساز افزایش کارایی، ثبات و قابلیت برنامه‌ریزی در تجارت مرزی ایلام ـ مهران ـ دهلران می‌شود.

WO2. تکمیل زنجیره‌های تولید کشاورزی و صنعتی از طریق ایجاد مناطق ویژه دوسویه مرزی

راهبرد WO2 با هدف جبران ضعف‌های ساختاری زنجیرهٔ ارزش در استان ایلام ـ شامل خام‌فروشی محصولات، نبود صنایع مادر و گسست میان تولید و بازار ـ طراحی شده است. در وضعیت موجود، بخش قابل توجهی از تولیدات کشاورزی و صنعتی استان بدون فرآوری و ارزش‌افزوده کافی وارد بازار می‌شود و همین امر قدرت رقابت در عراق را کاهش داده و وابستگی به نوسانات قیمتی را افزایش می‌دهد. ایجاد مناطق ویژه دوسویه مرزی با مشارکت ایران و عراق، فرصتی برای اتصال تولید، فرآوری، بسته‌بندی و صادرات در یک فضای نهادی مشترک فراهم می‌کند. این مناطق می‌توانند حلقهٔ واسط میان تولیدکنندگان داخلی و بازار عراق باشند و ضعف‌های زنجیرهٔ تولید را از طریق جذب سرمایه، انتقال فناوری، ایجاد صنایع تبدیلی و تسهیل تجارت جبران کنند. استقرار واحدهای فرآوری، انبارهای استاندارد و خدمات پشتیبان صادرات در این مناطق، هزینه‌های لجستیکی را کاهش داده و بهره‌وری تولید را افزایش می‌دهد. همچنین، ارائهٔ مشوق‌های مالیاتی، گمرکی و مقرراتی در این مناطق می‌تواند مشارکت بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی را تقویت کند و ضعف ناشی از کم‌رنگ بودن بخش خصوصی و فرسودگی صنایع را کاهش دهد. در نهایت، این راهبرد با پیوند دادن ظرفیت تولید داخلی به فرصت‌های نهادی و جغرافیایی مرز، زمینه‌ساز اشتغال مولد، افزایش ارزش افزوده، توسعهٔ پایدار و ارتقای تاب‌آوری اقتصادی در برابر شوک‌های بیرونی خواهد بود.

WO3. ارتقای زیرساخت‌های گمرکی، لجستیکی و حمل‌ونقل با بهره‌گیری از پروژه‌های ملی (ریل، راه‌های شریانی)

راهبرد WO3 با هدف رفع ضعف‌های زیرساختی مرز مهران ـ شامل کمبود تجهیزات گمرکی، فضای ناکافی تخلیه و بارگیری، فرسودگی راه‌ها و ناکارآمدی شبکهٔ حمل‌ونقل ـ طراحی شده است. این ضعف‌ها موجب افزایش زمان ترخیص، هزینهٔ حمل و کاهش رقابت‌پذیری صادرات استان شده‌اند. این راهبرد با اتصال ایلام به پروژه‌های ملی مانند شبکهٔ ریلی سراسری، کریدور شرق ـ غرب و توسعهٔ راه‌های شریانی، تلاش می‌کند زیرساخت‌های مرزی را به صورت ساختاری ارتقا دهد. بهره‌گیری از این پروژه‌ها، جایگاه مرز مهران را از یک گذرگاه صرف به هاب لجستیکی منطقه‌ای ارتقا می‌دهد و نقش استان را در شبکهٔ حمل‌ونقل ملی تقویت می‌کند. هم‌زمان، نوسازی تجهیزات گمرکی، تفکیک مسیرهای ترانزیت، صادرات و زائران، و توسعهٔ سامانه‌های هوشمند گمرکی موجب افزایش بهره‌وری، کاهش ازدحام و بهبود مدیریت ترافیک مرزی می‌شود. این اقدامات با ایجاد هم‌افزایی میان سرمایه‌گذاری‌های ملی و نیازهای محلی، امکان جبران عقب‌ماندگی‌های زیرساختی استان را فراهم می‌سازد. در نهایت، WO3 بستر فیزیکی لازم برای اجرای سایر راهبردهای توسعه‌محور را ایجاد می‌کند و زمینه‌ساز افزایش کارایی تجارت مرزی، کاهش هزینه‌ها، ارتقای رقابت‌پذیری و تقویت نقش ایلام در شبکهٔ لجستیک ملی و فرامرزی خواهد بود.

WO4. توانمندسازی صادرکنندگان در حوزهٔ استاندارد، بسته‌بندی و قوانین بازار عراق

راهبرد WO4 مستقیم ضعف‌های دانشی و مهارتی صادرکنندگان استان ایلام را هدف قرار می‌دهد؛ ضعف‌هایی که بخش مهمی از ناکامی در بازار عراق نه به کمبود تولید، بلکه به ناآشنایی با استانداردها، بسته‌بندی نامناسب، عدم تطبیق با سلیقهٔ مصرف‌کننده عراقی و بی‌اطلاعی از مقررات تجاری و گمرکی عراق مربوط است. این راهبرد با استفاده از فرصت نزدیکی فرهنگی و نهادی با عراق، بر توسعهٔ سرمایه انسانی صادرات‌محور تمرکز دارد. اجرای دوره‌های آموزشی تخصصی، ایجاد مراکز مشاورهٔ صادرات، استقرار آزمایشگاه‌های استاندارد و حمایت از نوآوری در بسته‌بندی، می‌تواند ضعف‌های موجود را به مزیت رقابتی تبدیل کند. همکاری با اتاق‌های بازرگانی و نهادهای تجاری عراق نیز امکان انتقال تجربه، کاهش ریسک صادرات و افزایش انطباق محصولات با نیاز بازار هدف را فراهم می‌سازد. توانمندسازی صادرکنندگان علاوه بر کاهش وابستگی به واسطه‌ها، موجب افزایش سهم تولیدکنندگان محلی از ارزش افزوده صادرات می‌شود و نقش مهمی در پایداری تجارت مرزی دارد. در نهایت، این راهبرد با ارتقای کیفیت و استاندارد محصولات، اعتماد بازار عراق به کالاهای ایلامی را تقویت کرده و حضور پایدار و بلندمدت استان در بازارهای هدف را تضمین می‌کند.

در چارچوب پیشنهادی، راهبردهای شناسایی‌شده به صورت منفک از یکدیگر عمل نمی‌کنند، بلکه در قالب زنجیره‌ای از مداخلات مرتبط در سطوح مختلف فضایی قابل تفسیر هستند. توسعهٔ اقتصادی مناطق مرزی نتیجهٔ برهم‌کنش چندسطحی میان سطوح فضایی مختلف و سازوکارهای پیونددهنده است. در این زنجیره، افزایش اتصال و کاهش هزینه‌های مبادله و متعاقب آن اصلاح و تقویت حکمرانی و مدیریت مرزی، زمینهٔ تسهیل جریان‌های تجاری و فرامرزی را فراهم می‌کند؛ تسهیل این جریان‌ها امکان فعال‌سازی ظرفیت‌های تولیدی، صادراتی و خدماتی منطقه را افزایش می‌دهد و در ادامه، تعمیق زنجیره‌های ارزش، افزایش مشارکت بخش خصوصی و جذب سرمایه می‌تواند به تثبیت منافع اقتصادی حاصل از موقعیت مرزی و ارتقای تاب‌آوری اقتصادی منطقه منجر شود. در ادامه، این سازوکارها به صورت رابطه‌ای به پیامدهای توسعهٔ اقتصادی مانند اشتغال پایدار، افزایش سرمایه‌گذاری، رشد ارزش افزوده، ارتقای تاب‌آوری اقتصادی و بهبود رفاه محلی منجر می‌شوند. همچنین، نتایج حاصل از مداخلات توسعه‌ای می‌توانند به اصلاح سیاست‌ها، تقویت سازوکارهای پیونددهنده و بازتنظیم مداخلات در سطوح مختلف فضایی منجر شوند. بنابراین، چارچوب پیشنهادی بر این منطق استوار است که ظرفیت‌های مرزی تنها زمانی به توسعهٔ اقتصادی تبدیل می‌شوند که محدودیت‌های داخلی، به‌ویژه محدودیت‌های مدیریتی و نهادی، هم‌زمان با بهره‌گیری از فرصت‌های محیطی مورد توجه قرار گیرند. در این چارچوب، اولویت بالاتر راهبردهای WO در شرایط موجود به معنای حذف سایر

جهت‌گیری‌های راهبردی نیست؛ بلکه نشان‌دهندهٔ نقطه شروع مناسب‌تر برای مداخله در وضعیت کنونی منطقه است. با کاهش ضعف‌های داخلی، زمینهٔ بهره‌گیری مؤثرتر از راهبردهای SO نیز فراهم می‌شود، در حالی که راهبردهای ST و WT همچنان برای مدیریت تهدیدها، کاهش آسیب‌پذیری و حفظ تاب‌آوری منطقه نقش مکمل دارند. از این‌رو، چارچوب پیشنهادی یک نسخهٔ ثابت و تک‌راهبردی نیست، بلکه مجموعه‌ای از مداخلات مکمل را در بر می‌گیرد که اولویت و وزن آن‌ها متناسب با شرایط داخلی و محیطی منطقه قابل تغییر است.

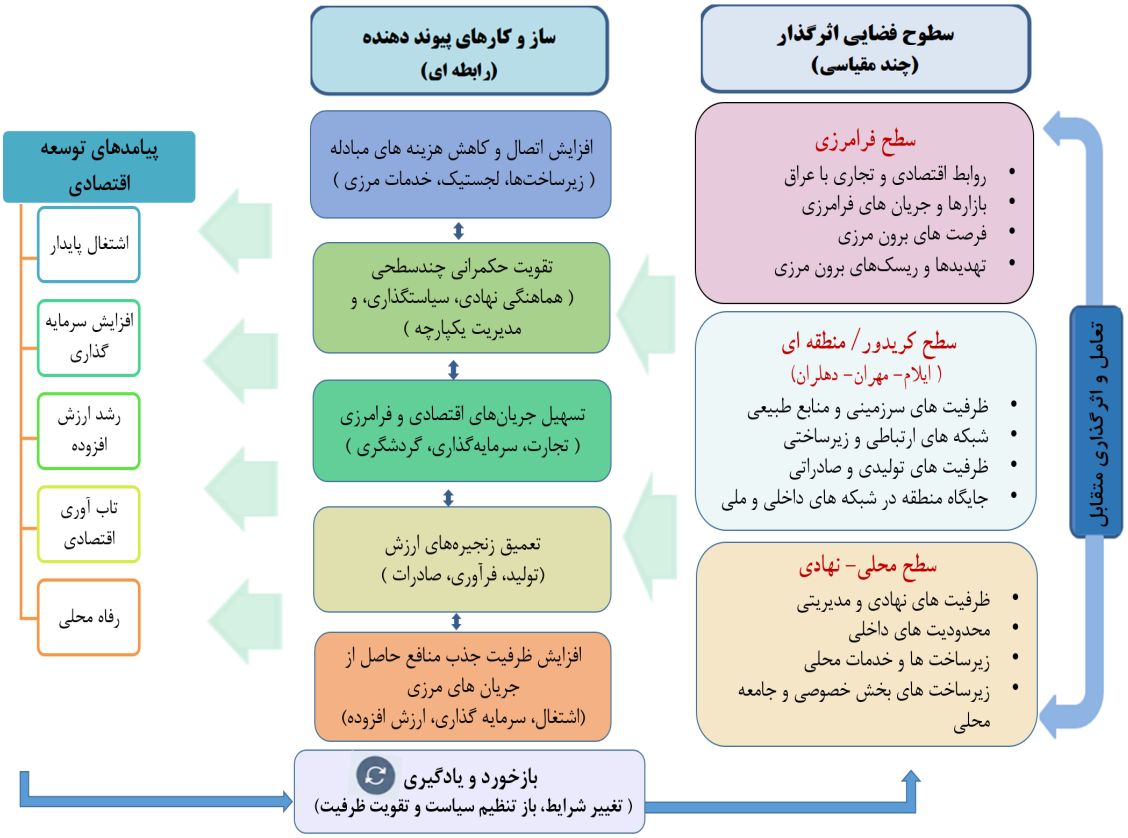

شکل ۴. چارچوب پیشنهادی

۶. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با تمرکز بر توسعهٔ اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام، تلاش شد از نگاه صرفاً جغرافیایی یا بخشی به مرز فراتر رفته و چارچوبی برای تبیین سازوکارهای مؤثر بر توسعهٔ اقتصادی منطقه ارائه شود. یافته‌ها نشان داد وجود مرز، بازار عراق، ظرفیت‌های نفت و گاز، کشاورزی، گردشگری و موقعیت ارتباطی، به‌تنهایی تضمین‌کنندهٔ توسعهٔ اقتصادی نیست؛ بلکه تبدیل این ظرفیت‌ها به اشتغال، سرمایه‌گذاری، ارزش افزوده و رفاه محلی به کیفیت اتصال به شبکه‌های داخلی و فرامرزی، ظرفیت جذب منافع حاصل از جریان‌های مرزی، عمق زنجیره‌های ارزش و ظرفیت نهادی و حکمرانی وابسته است. بنابراین در محور ایلام ـ مهران ـ دهلران، مسئلهٔ اصلی را می‌توان شکاف میان ظرفیت‌های سرزمینی و توان نهادی و اقتصادی برای بهره‌برداری پایدار از این ظرفیت‌ها دانست. این یافته‌ها با چارچوب نظری پژوهش دربارهٔ نقش هم‌زمان مرز، شبکه‌ها و ظرفیت نهادی در توسعهٔ اقتصادی سازگار است. مهم‌ترین دستاورد پژوهش، صورت‌بندی یک چارچوب تحلیلی چندمقیاسی و رابطه‌ای برای توسعهٔ اقتصادی منطقهٔ مرزی ایلام است. در این چارچوب، منطقهٔ مرزی نه فقط یک نوار مجاور خط مرز و نه معادل کل استان، بلکه یک منطقهٔ عملکردی متشکل از روابط میان ایلام، مهران، دهلران، مرز مهران و شبکه‌های اقتصادی و ارتباطی دو سوی مرز در نظر گرفته می‌شود. چارچوب پیشنهادی بر تعامل میان ساختارهای عمومی مناطق مرزی، دارایی‌ها و محدودیت‌های محلی، جایگاه منطقه در شبکه‌های داخلی و فرامرزی و ظرفیت نهادی استوار است و سازوکارهایی مانند کاهش هزینهٔ مبادله، تعمیق زنجیرهٔ ارزش، افزایش ظرفیت جذب، تنوع‌بخشی و تقویت حکمرانی را به پیامدهای توسعه‌ای پیوند می‌دهد. در این چارچوب، نتایج SWOT و QSPM به عنوان ابزارهای سازمان‌دهی، ارزیابی و اولویت‌بندی جهت‌گیری‌های راهبردی مورد استفاده قرار گرفتند و نه به عنوان یک برنامهٔ اجرایی قطعی برای دستگاه‌های مسئول. در شرایط مورد مطالعه، راهبردهای WO از اولویت نسبی بیشتری برای شروع مداخله برخوردار شدند؛ با این‌حال، این اولویت موقتی و وابسته به شرایط است و راهبردهای SO، ST و WT همچنان نقش مکمل دارند.

۱.۶. محدودیت‌های پژوهش

سهم اصلی این پژوهش در ارائهٔ یک چارچوب تحلیلی چندمقیاسی و رابطه‌ای برای بررسی توسعهٔ اقتصادی مناطق مرزی است که با توجه به ویژگی‌های خاص محور ایلام ـ مهران ـ دهلران صورت‌بندی شده و از این جهت، ادعای آن ارائهٔ یک نسخهٔ عمومی و ثابت برای تمام مناطق مرزی نیست. بلکه می‌تواند مبنایی تحلیلی برای بازتنظیم و تطبیق در سایر مناطق مرزی فراهم آورد؛ مشروط بر آنکه تفاوت‌های فضایی، نهادی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی هر منطقه در سطوح مختلف (از خط مرز تا مقیاس استانی و فرامرزی) مورد توجه قرار گیرد. با وجود تلاش برای استفادهٔ هم‌زمان از مبانی نظری، اسناد آمایش، داده‌های کیفی، دیدگاه خبرگان و ارزیابی‌های کمی، پژوهش حاضر با چند محدودیت مواجه است. نخست، بخش مهمی از عوامل شناسایی‌شده بر ادراک و تجربهٔ خبرگان استوار است. دیدگاه خبرگان یکی از لایه‌های شواهد پژوهش محسوب می‌شود و نمی‌تواند به‌تنهایی نمایندهٔ تجربهٔ همهٔ فعالان اقتصادی، ساکنان، مرزنشینان و سایر ذی‌نفعان باشد. دوم، قلمرو پژوهش کل استان ایلام نیست، بلکه منطقهٔ مرزی عملکردی ایلام ـ مهران ـ دهلران بر اساس سطح‌بندی پنج‌گانه تعریف شده است. بنابراین، تعمیم نتایج به سایر شهرستان‌های استان یا دیگر مناطق مرزی کشور باید با توجه به تفاوت در نوع مرز، ساختار اقتصادی، کشور همسایه، شبکه‌های ارتباطی، شرایط اجتماعی و ظرفیت نهادی در هر سطح فضایی انجام شود. سوم، نتایج حاصل از ماتریس‌های SWOT، IFE، EFE و QSPM ماهیتی وابسته به شرایط و مقطع مطالعه دارند و تغییر در وضعیت اقتصادی، سیاسی، امنیتی، تجاری و روابط ایران و عراق می‌تواند بر ارزیابی عوامل و اولویت‌های راهبردی اثر بگذارد. از این‌رو، نتایج کمی پژوهش نباید به عنوان اولویت‌های ثابت و دائمی منطقه تلقی شوند. همچنین، این روش‌ها به‌تنهایی قادر به اثبات روابط علّی میان عوامل و پیامدهای توسعه نیستند و نتایج آن‌ها نیازمند پشتیبانی از طریق شواهد عینی و مطالعات تجربی است. این محدودیت با منطق نظری خود پژوهش نیز سازگار است که SWOT را ابزار سازمان‌دهی شواهد، نه نظریه علّی، تلقی می‌کند.

با وجود این محدودیت‌ها، یافته‌های پژوهش باید در بستر چارچوب چندمقیاسی و رابطه‌ای آن تفسیر شوند. عوامل شناسایی‌شده بازتاب ادراک خبرگان از وضعیت محور ایلام ـ مهران ـ دهلران هستند و نه اندازه‌گیری مستقیم و عینی همهٔ ابعاد اقتصادی، اجتماعی و نهادی منطقه. همچنین، چارچوب ارائه‌شده در بستر فضایی و نهادی خاص این محور شکل گرفته است؛ از این‌رو، تعمیم مستقیم آن به سایر مناطق مرزی بدون بازتنظیم بر اساس تفاوت‌های ساختاری، نهادی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی در سطوح مختلف فضایی قابل توصیه نیست.

۲.۶. مسیرهای پژوهشی آینده

پژوهش‌های آتی می‌توانند چارچوب پیشنهادی را با داده‌های عینی و طولی بیازمایند و رابطهٔ میان اتصال‌پذیری، هزینهٔ مبادله، جریان‌های تجاری، ظرفیت جذب، زنجیرهٔ ارزش، سرمایه‌گذاری، اشتغال و تاب‌آوری را بسنجند. ورود دیدگاه فعالان بخش خصوصی و مطالعات تطبیقی میان مناطق مرزی ایران و کشورهای مشابه نیز می‌تواند سازوکارهای عمومی و اختصاصی این چارچوب را روشن‌تر سازد. همچنین، بررسی پویایی جایگاه راهبردی منطقه طی زمان و آزمون چارچوب پیشنهادی در شرایط مختلف اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیکی می‌تواند به توسعهٔ آن از یک چارچوب تحلیلی به یک مدل تجربی قابل آزمون کمک کند.

۳.۶. دلالت‌های سیاستی

یافته‌ها ضرورت به رسمیت شناختن نهادی مناطق مرزی را برجسته می‌کنند؛ سیاست‌گذاری باید از تمرکز بر عبور کالا به سمت تثبیت ارزش افزوده جریان‌های مرزی حرکت کند. تقویت حکمرانی چندسطحی، زیرساخت‌های اتصال، لجستیک، صنایع تبدیلی، توانمندسازی بنگاه‌ها و تسهیل سرمایه‌گذاری، مسیر تبدیل مزیت جغرافیایی مرز به مزیت اقتصادی پایدار است. چارچوب پیشنهادی جایگزین برنامه‌ریزی رسمی نیست و تبدیل آن به برنامهٔ اجرایی نیازمند متولی، منابع، زمان‌بندی، مشارکت گستردهٔ ذی‌نفعان و شاخص‌های پایش است.

مشارکت نویسندگان

نویسندهٔ اول ۳۵ درصد، نویسندهٔ دوم ۳۵ درصد، نویسندهٔ سوم ۲۰ درصد، نویسندهٔ چهارم ۱۰ درصد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از تمامی خبرگان و متخصصانی که در انجام این پژوهش همکاری کردند، اعلام می‌دارند. پژوهش حاضر حامی مالی نداشته و حاصل فعالیت علمی نویسندگان است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافعی برای ایشان وجود ندارد.

منابع

Akhbari M., & Nami M. H. (2010). *Border geography with emphasis on Iranian borders*. Tehran: Geographical Organization of the Armed Forces. [In Persian] https://docibox.ir/book/6071647.

Akhgarī M., & Barzegar R. (2016). *Analysis of the effects of border market development on surrounding areas (Case study: Mahirud border market, Sarbisheh County)*. The 3rd International Conference on Research in Engineering, Science and Technology. [In Persian] https://civilica.com/doc/557605

Amanpour S., & Mohammadi Ch. (2021). An analysis of spatial distribution of development and regional inequalities in Ilam province. *Regional Planning Scientific Quarterly*, 11(42): 102-117. [In Persian] DOI: 10.30495/JZPM.2021.4210.

Atefi H., Roumina E., & Ghorbaninejad R. (2020). A theoretical model of spatial development in integrated border regions. *Geographical Space Scientific Quarterly*, 20(72); 19-37. [In Persian] https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1742269

Badri S. A., & Akbarian Ronizi S. R. (2006). A comparative study of the application of development measurement methods in regional studies (Case: Esfarayen County). *Geography and Development*, 7: 5-22. [In Persian] 10.22111/gdij.2006.3797.

Badri S. A., Darban Astaneh A. R., & Sa'di, S. (2018). The impact of border markets on the improvement of socio-economic indicators in border rural areas (Case study: Bashmaq border, Marivan). *Spatial Planning*, 7(3): 41-62. [In Persian] 10.22108/sppl.2017.102384.1041.

Bie, Q., Li, C. & Zhou, Sh. (2014). Evaluation of the effectiveness of border policies in Dehong Prefecture of Yunnan, China. *Sustainability*, 6(8), 5284–99. https://doi.org/10.33 90/su6085284

Borovskaya, T., Gherman, O. & Zaytseva, T. (2019). Sustainable development of border areas as a subject of scientific research. *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, 364. 10.2991/icsdcbr-19.2019.61

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101. https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa

Capello, R., Caragliu, A., & Fratesi, U. (2018). Measuring border effects in European cross-border regions. *Regional Studies*, 52(7), 986–996. https://doi.org/10.1080/00343404.2017.1364843.

Cheng, C. H., & Lin, Y. (2002). Evaluating the best main battle tank using fuzzy decision theory with linguistic criteria evaluation. *European journal of operational research*, 142(1), 174-186. 10.1016/S0377-2217(01)002806

Chirodea, F., Soproni, L., & Marian, M. (2024). European Union tools for the sustainable development of border regions. *Sustainability*, 16(1), 388. https://doi.org/10.3390/su16010388.

Christaller, W. (1933). Die zentralen Orte in Süddeutschland. Jena, Gustav Fischer, 1933. Translated by C.W. Baskin, Central Places in Southern Germany. *Enslewood d Cliffs, N. J., Prentice- Hall, 1966*.

Christiansen, T. (2002). A SWOT analysis of the organization and financing of the Danish health care system. *Health Policy*, 59(2), 99-106. https://doi.org/10.1016/S0168-8510(01)00200-7

Darabi S., & Fani Z. (2021). Identifying influential factors and key drivers in regional development with a futures studies approach (Case study: Ilam). *Geography and Urban Planning (Zagros Perspective) Quarterly*, 13(47): 119-137. [In Persian] https://www.magiran.com/p2361743

David, F. R. (1986). The strategic planning matrix—a quantitative approach. *Long Range Planning*, 19(5), 102-107. https://doi.org/10.1016/0024-6301(86)90015-4

David, M. E., David, F. R., & David, F. R. (2009). The quantitative strategic planning matrix (QSPM) applied to a retail computer store. *The Coastal Business Journal*, 8(1), 4. https://digitalcommons.coastal.edu/cbj/vol8/iss1/4

Esmatyar A., & Malekpour Asl B. (2025). The role of collaborative governance in the balanced regional development of the border province of Kurdistan. *Sustainable Development of the Geographical Environment*, 7(12): 61-77. [In Persian] https://doi.org/10.48308/sdge.2024.237038.1216.

Ezati E. (1989). *Military geography of Iran*. Tehran: Amirkabir. https://fidibo.com/book/159671- .[In Persian]

Friedmann, J. (1966). *Regional development policy: A case study of Venezuela*. Cambridge (Mass.). M.I.T. Press. https://cir.nii.ac.jp/crid/1971430859848255891

Gallopin, G. C. (2020). Cities, sustainability, and complex dissipative systems. *A Perspective Conceptual Analysis*. https://doi.org/10.3389/frsc.2020.523491.

Gendarme, R. (1970). Les problèmes économiques des réggions frontières européennes. *Revue Économique*, 21, 889-917. https://doi.org/10.3406/reco.1970.407945

Ghadimi M., Soleimani M., Moussavian S. S., and Yakhkhali M. (2023). Dimensions, challenges, and strategies for the development of border regions. *Regional Economics and Development*, 30(1): 291–315. [In Persian] https://doi.org/10.22067/erd.2023.76439.1113.

Ghanbari Y., Barfi H., & Hejarian A. (2014). Analysis and prioritization of the development degree of counties in Lorestan province using the TOPSIS technique. *Urban and Regional Studies and Research Quarterly*, 6(21): 169-180. [In Persian] http://noo.rs/zhdZo

Golchoui Diva Sh., Jalalian S. E., & Ahmadi Dehka' F. (2019). Measuring the development level of border counties in West Azerbaijan province. *Border Science and Technology Scientific Quarterly*, 8(2): 83-102. [In Persian] https://www.share.sid.ir/paper/410085/fa?media=1

Hansen, N. (1977). Border regions: A critique of spatial theory and a European case study. *The Annals of Regional Science*, 11(1), 1-14. https://doi.org/10.1007/BF01287245.

Hansen, N. M. (1975). An evaluation of growth center theory and practice. *Environment and Planning*, 7, 821-832. https://doi.org/10.1068/a070821

Hansen, N. M. (1976). The economic development of border regions. *International Institute for Applied System Analysis, IIASA Research Memorandum*. https://doi.org/10.1111/j.1468-2257.1977.tb00343.x

Hippe, S., Bertram, D., & Chilla, T. (2024). Convergence and resilience in border regions. *European Planning Studies*, 32(1), 186-207. https://doi.org/10.1080/09654313.2023.2170214

Janparvar, M., Bahrami Jaf, S., Salehabadi, R., & Doostmoradi, H. (2021). Analysis and leveling of border parameters affecting the security and development of border cities (Case study: Javanrud city). *Political Spatial Planning*, 3(2), 70-80. https://doi.org/20.1001.1.26455145.2021.3.2.1.6

Janparvar, M., Jafarpour Ghalehteimouri, K., Mazandrani, D., & Mousavi, M. (2022). Investigating the impact of weaknesses and strengths of local and national factors in border cities' development: Case study of Javanrood city, Iran. DOI: https://doi.org/10.21203/rs.3.rs-2344069/v1.

Krippendorff, K. (2004). Reliability in content analysis: Some common misconceptions and recommendations. *Human Communication Research*, 30(3), 411-433. https://doi.org/10.1111/j.1468-2958.2004.tb00738.x

Krugman, P. (1991). Increasing returns and economic geography. *Journal of Political Economy*, 99(3), 483–499. https://doi.org/10.1086/261763.

Kurowska-Pysz, J., Castanho, R. A., & Loures, L. (2018). Sustainable planning of cross-border cooperation: A strategy for alliances in border cities. *Sustainability*, 10(5), 1416. https://doi.org/10.3390/su10051416

Lösch, A. (1940). Die räumliche Ordnung der Wirtschaft. Jena, Gustav Fischer, Translated by W.H. Woglom with the assistance of W.F. Stolper, The economics of location. *New Haven, Yale University Press*, 1954. https://cir.nii.ac.jp/crid/1971149384838457254

Medeiros, E., Ferreira, R., Boijmans, P., Verschelde, N., Spisiak, R., Skoniezki, P., et al. (2021). Boosting cross-border regions through better cross-border transport services: The European case. *Case Studies on Transport Policy*, 9(1), 291–301. https://doi.org/10.1016/j.cstp.2021.01.006

Meshkini, A., Movahed, A., & Ahmadifard, N. (2016). Evaluating policy of regeneration in urban distressed texture using SWOT and QSPM matrices (Case study: Region 12 of Tehran Metropolis). *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 4(4), 549-568. https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2016.62194

Mirzaei H., Imani Jajarmi H., & Sharifpour H. (2024). Critical discourse analysis of social policies for the development of border regions (with an emphasis on regional spatial justice). *Iranian Journal of Social Studies*, 17(4): 105-131. [In Persian] https://www.share.sid.ir/paper/1442215/fa?media=1

Mohammadi R., Karkeh Abadi Z., & Miri Gh. (2022). Explaining city-border interactions with a sustainable development approach based on fuzzy multi-criteria decision-making logic (Case study: Border cities of Sistan and Baluchestan province). *Applied Research in Geographical Sciences Journal*, 22(64): 247-268. [In Persian] https://www.share.sid.ir/paper/962232/fa?media=1

Mohammadpanahi S., Varesi H. R., & Taghvaei M. (2023). Strategic planning for regional development of Ilam based on regional competitiveness. *Journal of Geography and Regional Development*, 21(1): 209-231. [In Persian] 20.1001.1.20081391.1402.21.1.7.8

Momeni M., & Saber E. (2012). Determining the development level of Naein city in Isfahan province. *Journal of Geography and Environmental Planning*, 23(1): 185-200. [In Persian] 20.1001.1.20085362.1391.23.1.12.0.

Mousavi M. N., Bouiri Sh., & Babaei Tazeh Kand Qeshlaq N. (2019). Analysis of pivotal factors affecting the development of border regions in Khuzestan province using MicMac software. *Border Science and Technology Quarterly*, 8(1): 141-164. [In Persian] https://share.sid.ir/paper/410649/fa?media=1

Mousavi M. N., Ghalehteimouri K. J., Hekmatnia H., Bagheri-Kashkouli A. & Bayramzadeh N. (2024). Mitigating development barriers and addressing disparities in border cities of Iran: A comprehensive analysis of border provinces and influential factors. *GeoJournal.* 89: 168. [In Persian] https://doi.org/10.1007/s10708-024-11181-9.

Niederberger, M., & Spranger, J. (2020). Delphi technique in health sciences: A map. *Frontiers in Public Health*, 8, 457. DOI: 10.3389/fpubh.2020.00457

OECD. (2024). Building more resilient cross-border regions: Considerations in governance and partnerships. OECD Multi-level Governance Studies. *OECD Publishing*. https://doi.org/10.1787/d5fd3e59-en

OECD. (2025). Place-based policies for the future. OECD Regional Development Studies. *OECD Publishing*. https://doi.org/10.1787/e5ff6716-en.

Omidi N. (2022). Obstacles to the development of production cooperatives in border areas with a social and economic approach: A case study of Mehran and Dehloran counties in Ilam province. *Rural and Sustainable Development of Space*, 2(10): 89–104. [In Persian] 20.1001.1.2717350.1401.3.2.5.5.

Pan, S., Zhou, W., Pirmauthu, S., Giannikas, V. & Chen, C. (2021). Smart city for sustainable urban freight logistics. *International Journal of Production Research*, 59(7), 2079-2089. https://doi.org/10.1080/00207543.2021.1893970

Parnian H., Ziari K., Mirhayi M., & Modiri M. (2018). Development strategies for border regions with a land-use planning approach (Study area: Urmia-Salmas). *Geographical Information Scientific-Research Quarterly*, 26(104): 173-184. [In Persian] 10.22131/sepehr.2018.30532.

Paul, H., Chilla, T., & Sommer, C. (2026). Economy and border regions—A research gap? Results from a scoping review. *Journal of Borderlands Studies*, 41(1), 215233. https://doi.org/10.1080/08865655.2025.2539973

Pernice, R. (2021). Verticality and conflicting identities in the contemporary Chinese city: The urban development of Suzhou industrial park. *Journal of Chinese Architecture and Urbanism – Special Issue: Influential Theories And Works For Contemporary Chinese Urban Planning And Design (1920-2020)*, 3(1). https://doi.org/10.36922/jcau.v3i1.1026.

Piri R. (2020). Explanation and evaluation of the strategic position of the border regions of the Islamic Republic of Iran and Iraq (Case study: Border counties of Ilam province). *Strategic Studies of Basij Quarterly*, 23 (88): 124-156. [In Persian] 20.1001.1.1735501.1399.23.88.4.3.

Prokkola, E. (2019). Border-regional Resilience in EU Internal and External Border Areas in Finland. *European Planning Studies*, 27 (8), 1587–1606. https://doi.org/10.1080/09654313.2019.1595531.

Pugh, R., & Dubois, A. (2021). Peripheries within economic geography: Four "problems" and the road ahead of us. *Journal of Rural Studies*, 87, 267–275. https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2021.09.007.

Rigi E., Anvari M. R., & Hafez Rezazadeh M. (2021). Calibrating the economic role of border corridors (land) on sustainable urban development (Case study: Mirjaveh city). *New Attitudes in Human Geography*, 12(2): 343-359. [In Persian] 20.1001.1.66972251.1399.12.2.18.2.

Roscoe, J. T. (1975). Fundamental research statistics for the behavioral sciences (2nd ed.). *Holt, Rinehart and Winston*. https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=1547472

Rumley, D. & Minghi, J.V. (1991). *The Geography of Border Landscapes.* Routledge*:* New York. https://doi.org/10.4324/9781315746593

Sadeghi H., Fal Soleiman M., Hashemi S., & Fadaei M. (2014). Limitations and capacities of sustainable development in the border villages of eastern Iran (Case: Bandan rural district in Nehbandan County). *Spatial Economy and Rural Development Quarterly*, 2 (8): 126-144. [In Persian] https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1085434

Sohn, C. (2014). Modelling cross-border integration: The role of borders as a resource. *Geopolitics*, 19 (3), 587–608. https://doi.org/10.1080/14650045.2014.913029

Statistical Yearbook of Ilam Province. (2023). Management and planning organization of Ilam Province. [In Persian] https://amar.org.ir/salnameh-amari/ 1402/PropertyTypeID/621

Su, X., Zhou, W., Deng, L. & Li, M. (2024). Analysis of economic development dynamics in border cities--based on a multiple regression model of Fangchenggang City. *E3S Web of Conferences* 565, 02027, ICUEMS2024. https://doi.org/10.1051/e3sconf/202456502027.

Supreme Council for Land Planning. (2020). Ilam Province Land Planning Document, approved on March 1, 2020. [In Persian] https://coo.acecr.ac.ir/fa/page/5027

Taubenböck, H., Otto, C., Gülzau, F., & Mau, S. (2023). Border regions across the globe: Analyzing border typologies, economic and political disparities, and development dynamics. *Applied Geography*, 151, 102866. https://doi.org/10.1016/j.apgeog.2022.102866.

Thompson, A., Janes, A., Peteraf, M., Sutton, C., Gamble, J., & Strickland, A. (2013). *EBOOK: Crafting and executing strategy: The quest for competitive advantage: Concepts and cases*. McGraw-Hill. https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=7MovEAAAQBAJ&oi

Todaro, M. P. (1999). *Economic development in the third world*. Tehran: Organization of Budget and Planning Publications. https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=2774502

Toli, A. M. & Murtagh, N. (2020). The concept of sustainability in smart city definitions. *Journal of Digital Landscape Architecture*, 6, 75-84. https://doi.org/10.3389/fbuil.2020.00077

Weber, A. (2012). Boundaries with issues: Soft border management as a solution? *Friedrich-Ebert-Stiftung, Africa Department*.

Wendt, J. A., Grama, V., Ilieş, G., Mikhaylov, A. S., Borza, S. G., Herman, G. V., & Bógdał-Brzezińska, A. (2021). Transport infrastructure and political factors as determinants of tourism development in the cross-border region of Bihor and Maramureş. A comparative analysis. *Sustainability*, 13(10), 5385. https://doi.org/10.3390/su1310538

Wong Villanueva, J. L., Kidokoro, T., & Seta, F. (2022). Cross-border integration, cooperation and governance: A systems approach for evaluating "good" governance in cross-border regions. *Journal of Borderlands Studies*, 37(5), 1047–1070. https://doi.org/10.1080/08865655.2020.1855227.

Wu, Z., Jiang, M., Li, H., & Zhang, X. (2021). Mapping the knowledge domain of smart city development to urban sustainability: a scientometric study. *Journal of Urban Technology*, 28(1-2), 29-53. https://doi.org/10.1080/10630732 . 2020 .1777045.

Yeganeh M., Fathi S., Saroukhani B., & Mirzaee K. (2024). Sociological study of obstacles to industrial development in Ilam province in line with regional planning and sustainable development. *Geography (Regional Planning)*, 13: 303-322. [In Persian] DOI: 10.22034/jgeoq.2023.178203.1876.

Zarrabi A., & Mahboub-Far M. R. (2013). Application of the SWOT-QSPM model in formulating a tourism development strategy for the city of Kashan. *Spatial Planning*, 3(4): 37–58. [In Persian] https://www.sid.ir/paper/223737/fa.

Zhang, X., Zuo, X., & Chen, X. (2023). Open doors: The impact of border reforming and opening policies on the regional border economies of China. *International Studies of Economics*, 18(4), 527-546. https://doi.org/10.1002/ise3.53

Zho, Y., Li, J. & Pu, L. (2021). Quantifying ecosystem service mismatches for land use planning: Spatial-temporal characteristics and novel approach—a case study in Jiangsu Province, China. *Environmental Science and Pollution Research*. https://doi.org/10.1007/s11356-021-17764-0